

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۹ فبروری ۲۰۲۰

هزینه های حکومت امریکا و حکومت اسلامی ایران در ویرانی خاورمیانه!

مقدمه

حاکمیت امریکا و جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته، با همدیگر رقابت بی سابقه ای را در میلیتاریزه کردن خاورمیانه گذاشته اند. امریکا از تنش با حکومت اسلامی ایران بیشترین بهره اقتصادی و نظامی را گرفت و از زاویه اعزام نیرو به خاورمیانه و فروش سلاح به کشورهای عربی به خصوص دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ افزوده است.

ناگفته نماند که روسیه، ترکیه، عربستان، اسرائیل و... نیز در ویرانی خاورمیانه دست کمی از حاکمیت های امریکا و ایران ندارند. به خصوص روسیه در حمایت از حکومت اسلامی ایران سنگ تمام گذاشته و از هر نظر حکومت های ارتجاعی منطقه را تقویت می کند. یعنی در جهان سرمایه داری امروز و در عصر جهانی شدن سرمایه، هیچ دولتی را نمی توان پیدا کرد که از جنبش های مترقی و مردمی حمایت کند از این رو، از دولت های به اصطلاح سوسیال دموکرات غربی گرفته تا حکومت های مستبد قاره آفریقا و هند و خاورمیانه و آسیای مرکزی، تفاوت چندانی با همدیگر ندارند و هم شان از سیاست های عقب مانده و ارتجاعی مستقیم و غیرمستقیم دفاع می کنند. اما متأسفانه برخی از نیروهای «چپ» پرو روس و پرو چین سابق، هنوز هم از این دولت ها، البته با شرمندگی دفاع می کنند و از نظر آن ها، امپریالیسم تنها امریکاست و این نیروهای چپ، ضد امپریالیست هستند نه ضد سرمایه داری. و آن هم امپریالیسم امریکا، نه چین و روسیه و اتحادیه اروپا. در حالی که به نظر من، عملکردهای دولت های قدرتمند جهانی مانند چین، امریکا، روسیه و اتحادیه اروپا و حکومت های حامی آن ها، هم در استثمار شدید نیروی کار و هم در اعمال سانسور و سرکوب بر علیه مخالفین و سازمان دهی جنگ و کشتار و ویرانی تفاوت چندانی ندارند.

حکومت اسلامی ایران نیز از جنگ داخلی عراق و افغانستان و اخیراً سوریه و یمن بهره برداری سیاسی و نظامی کرده و کلیه گروه های شیعی و نزدیک به خود را بسیج و مسلح کرده است. حزب الله لبنان، حشد الشعبی عراق و رابطه با گروه هایی در افغانستان از جمله طالبان و القاعده، سازماندهی لشکر فاطیون و زینبیون از افغانستان و پاکستان، یکی از اصلی ترین عامل جنگ های موسوم به «جنگ های نیابتی» هستند.

حدود پانزده گروه «به نیابت از حکومت اسلامی ایران» در سوریه و عراق می جنگند: «مدافعان حرم اهل بیت» یا «مدافعان حرم» به گروهی از اعضای سپاه، بسیج، نیروهای مذهبی حامی آیت الله خامنه ای و برخی مراجع تقلید شیعه

و ۱۵ گروه از شبه نظامیان شیعه گفته می شود که با عنوان «دفاع» از آرامگاه های امامان شیعه و نوادگان آن ها در سوریه و عراق مشغول جنگ هستند.



اعضای این گروه شبه نظامی که نیروی «قدس» سپاه پاسداران با همکاری حزب الله لبنان در آموزش و ساماندهی آن ها نقش دارد را ترکیبی از شیعیان ایران، افغان، پاکستان، عراق، سوریه و لبنان تشکیل داده اند. در ایران، از مجموعه ای به نام قرارگاه مرکزی «امام حسین» وابسته به سپاه پاسداران که حسین همدانی جانشین آن است به عنوان مهم ترین مرکز سازماندهی و هدایت نیروهای «مدافعان حرم» نام برده می شود. از قرارگاه مرکزی «امام حسین» اطلاعات چندان در دست نیست، اما به نظر می رسد این قرارگاه با هدف هدایت جنگ در سوریه و عراق راه اندازی شده باشد.

حسین همدانی فرمانده سابق سپاه تهران، شناخته شده ترین عضو ارشد این قرارگاه است که در دو سال اخیر بارها درباره تحولات سوریه و چگونگی راه اندازی واحدهای «بسج» و سایر گروه های مسلح در این کشور سخنرانی کرده است.

همدانی در سخنرانی ها و گفت و گوهای رسانه ای خود جزئیات زیادی درباره عملکرد ایران در سوریه بیان کرده و مدعی است در حال حاضر ۷۰ هزار جوان «علوی»، «سنی» و «شیعی» در سوریه توسط سپاه برای جنگ سازماندهی شده اند.

همدانی افزوده این جوانان در قالب ۴۲ گروه و ۱۲۸ گردان در سوریه در حال جنگ بوده و ۱۳۰ هزار بسجی آموزش دیده ایران نیز به منظور جنگ منتظر ورود به سوریه هستند.

محمد اسکندری، فرمانده سپاه «ملایر» یکی دیگر از فرماندهان سپاه است که اعلام کرده این سازمان نظامی ۴۲ تیپ و ۱۳۸ گردان مجهز را برای جنگ با مخالفان بشار اسد در داخل خاک سوریه آماده کرده است.

محمدعلی جعفری، فرمانده وقت کل سپاه پاسداران، نیز تعداد نیروی های جنگجو در عراق و سوریه را در مجموعه ۲۰۰ هزار نفر اعلام کرده که در قالب نیروهای «مسلح مردمی» مشغول جنگ هستند.

همه این نیروها در قالب سپاه بین المللی «مدافعان حرم» در سوریه و عراق می جنگند.

در سایت رسمی آیت الله خامنه ای صفحه ویژه ای به نام «مقاومت» راه اندازی شده که محتوای بسیاری از آن مربوط به حسن نصرالله، فعالیت های حزب الله لبنان و سخنان رهبر حکومت اسلامی درباره تحولات این مناطق است.

در این صفحه، نقشه ای وجود دارد که کشورهای ایران، بحرین، سوریه، عراق، یمن، لبنان، پاکستان، میانمار، هندوستان، فلسطین، مصر، لیبی و تونس را با رنگ های متفاوتی ترسیم کرده و این کشورها را محور «مقاومت اسلامی» معرفی کرده است.

مدیریت اصلی اجرای این پروژه آن طور که سردار علی شادمانی، معاون عملیات ستاد کل نیروهای مسلح اعلام کرده از سوی آیت الله خامنه ای به سپاه پاسداران واگذار شده است.

این نقشه، نشانه دقیق و روشنی از سیاست های حکومت اسلامی برای گسترش نفوذ خود در این کشورها است که در حال حاضر با عاملیت حزب الله لبنان دنبال می شود.

در این سیاست، حزب الله لبنان مأموریت یافته در کشورهای مذکور اقدام به راه اندازی «هسته های مقاومت» به نام «حزب الله» کند.

حزب الله لبنان براساس این نقشه و با همکاری نیروی «قدس» سپاه پاسداران تاکنون توانسته در سوریه، عراق، پاکستان، یمن، فلسطین و تونس اقدام به راه اندازی تشکیلات «حزب الله» کند.

حزب الله لبنان در سال های اخیر، هم سو با حکومت اسلامی درباره تحولات داخلی این کشورها موضع گیری روشنی داشته و از تحولات این کشورها هم سو با منافع حکومت اسلامی ایران، دفاع کرده است.

در چنین شرایطی، هزینه های اقتصادی حکومت اسلامی در این رقابت بسیار بالاست اما در مقابل امریکا با فروش میلیاردها دالر سلاح به کشورهای عربی به ویژه عربستان، کارخانه های تولید سلاح امریکائی را به شدت بالا برده است. به خصوص امریکا از منابع طبیعی افغانستان، عراق و سوریه نیز سودهای کلان به جیب می زند.

با این مقدمه، نگاهی می اندازیم به قدرت ویران گری حکومت امریکا و جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه!

هزینه جنگ های اخیر امریکا

در گزارشی به نقل از سی ان بی سی، مجموع هزینه های جنگ امریکا در افغانستان، عراق، سوریه و پاکستان از سال ۲۰۰۱، حدود ۴.۶ تریلیون دالر برآورد شده است. در بزرگی این رقم همین بس که کل بودجه سال ۲۰۲۰ ایالات متحده امریکا ۴/۷ تریلیون دالر بوده است. این یعنی، امریکا در حدود ۴.۱ برابر بودجه سال ۲۰۲۰ خود را صرف جنگ های خاورمیانه کرده است. در واقع این جنگ ها از جیب مالیات دهندگان امریکائی آغاز شده و گسترش یافته است. در مقابل جیب شرکت های بزرگ امریکائی به ویژه تولید سلاح، پر شده است.

جنگ افغانستان: (نزدیک به ۱ تریلیون دالر)

بنا به گزارشی که فوربس منتشر کرده است، ایالات متحده امریکا در طول ۱۹ سال حضور نظامی در افغانستان، رقمی حدود ۹۷۵ میلیون دالر هزینه کرده است. البته در سال های اخیر با کاهش تعداد نظامی ها در افغانستان - به کم تر از ۱۰ هزار نفر -، هزینه های امریکا در این کشور به سالانه ۵۲ میلیارد دالر کاهش پیدا کرده است. با وجود این که این رقم از سالانه ۱۰۷ میلیارد دالر به این عدد کاهش پیدا کرده، در بزرگی این رقم همین بس که کل صادرات نفتی و غیرنفتی ایران در سال جاری ۲۰۱۹ حدود ۵ میلیارد دالر باشد.

جنگ عراق: (بیش از ۲ تریلیون دالر)

در گزارشی به نقل از رویترز، هزینه های امریکا در عراق تا سال ۲۰۱۳، بیش از ۲ تریلیون دالر برآورد شده است. البته این هزینه ها احتمالاً بعد از ۷ سال، بیش از این شده است. هم چون افغانستان، حضور نظامی گسترده امریکا در عراق، سالانه هزینه های زیادی را به بودجه امریکا وارد می کند.

آیا همه هزینه های جنگ بی فایده است؟

هزینه بیش از شش تریلیون دلاری امریکا در خاورمیانه عدد بسیار بزرگی ست، اما واقعا این هزینه خالص بوده است و هیچ منفعتی برای امریکا نداشته است؟ در جواب باید گفت بخش زیادی از هزینه های جنگ در واقع جیب به جیب کردن است. در واقع بخش زیادی از این هزینه ها صرف خرید تجهیزات نظامی مورد نیاز شده، که عمده تولید کنندگان آن شرکت های بزرگ امریکائی هستند و خرید این تجهیزات سبب توسعه این شرکت ها شده است. بنابراین نمی توان تمامی این هزینه های گفته شده را هزینه خالص جنگ نامید. شاید بخشی از این هزینه ها در صورت عدم حمله به این کشورها نیز انجام می شد.

جنگ احتمالی با ایران چه هزینه هائی خواهد داشت؟

هزینه های سنگین مالی:

با توجه به هزینه های سنگین جنگ برای امریکا در عراق و افغانستان، به نظر می رسد این هزینه ها به مراتب برای جنگ با ایران بیش تر باشد. حضور نظامی ایران در کشورهای مختلف خاورمیانه از جمله عراق، سوریه، لبنان و فلسطین، سبب شده بتواند در این دامنه گسترده جغرافیائی ضرباتی را به نیروهای امریکائی وارد کند. از این رو، حتی با فرض هزینه های دو برابری جنگ با ایران نسبت به جنگ با عراق، امریکا باید چیزی حدود بودجه یک سال خود را صرف هزینه جنگ با ایران کند. اتفاقی که می تواند اقتصاد امریکا را تحت فشار زیادی قرار دهد. بسیاری از رسانه های اقتصادی جهان، هم چون فوربس نیز به هزینه های سنگین جنگ با ایران اشاره کرده اند.

برهم زدن موازنه قدرت در منطقه:

امریکا، همواره تلاش کرده است با برقراری موازنه قدرت در مناطق مختلف جهان، به مدیریت آن بپردازد. از این رو، عموماً از طریق کشورهای هم چون عربستان و امارات به کنترل ایران می پردازد و از طرفی از طریق ایران نیز این کشورها را کنترل کرده و به آن ها تجهیزات نظامی می فروشد. حذف هر کدام از کشورهای خاورمیانه می تواند زمینه ساز قدرت گیری کشور رقیب شود و از این طریق شرایط برای موازنه قدرت در این منطقه سخت می شود.

اسرائیل:

ایران نمی تواند جنگ را به داخل خاک امریکا بکشد، اما اسرائیل به عنوان یکی از نزدیک ترین شرکای امریکا، در نزدیکی ایران قرار دارد. هرگونه حمله به ایران می تواند به معنی پاسخ ایران به اسرائیل باشد. از این رو، هزینه های جنگ برای امریکا به شدت افزایش پیدا می کند.

فشار بین المللی:

با وجود آزادی های نسبی رسانه ها در جهان غرب، باید گفت در گذشته (زمان جنگ با عراق و افغانستان) عمده رسانه ها در دست گروه های قدرتمند کشورها قرار داشت، از این رو این شبکه های رسانه ای می توانستند با پخش برنامه های مختلف بر روی افکار عمومی کشورها تاثیر بگذارند. اما با توسعه شبکه های اجتماعی هم چون اینترنت، توئیتر، فیس بوک، اس ام اس، توییپ و...، رسانه های پر قدرت گذشته تا حدی قدرت خود را از دست داده اند و خبرها با سانسور کم تر و با سرعت بیش تر در اختیار عموم مردم قرار می گیرد. بنابراین، می توان گفت هم زمان با آغاز

جنگ امریکا و ایران، فشار رسانه ای بر علیه این جنگ احتمالی، به اوج خود خواهد رسید. می توان انتظار داشت شروع چنین جنگی در خاورمیانه، هم ترمپ را از رویای دور دوم ریاست جمهوری دور کند و هم وجه بین المللی ایالات متحده را مخدوش سازد و هم زیرساخت اقتصادی ایران را ویران سازد.

تأمین مالی جنگ:

با توجه به هزینه های سنگین امریکا در جنگ با ایران، باید انتظار داشت امریکا بخشی از هزینه های جنگ را از طریق اوراق بدهی تأمین مالی کند. اما آیا شرایط مشابه زمان جنگ با افغانستان و عراق است؟ بانک مرکزی ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۰۸ و تحت عنوان سیاست تسهیل کمی، به خرید گسترده اوراق بدهی دولت امریکا اقدام کرد و از این طریق با چاپ اسکناس، پایه پولی این کشور به حدود ۴ برابر افزایش یافت. در مقام مقایسه باید گفت میزان تزریق پول توسط بانک مرکزی امریکا در حدود یک سوم نقدینگی کل آن کشور بوده است. با توجه به افزایش شدید پایه پولی در کشور امریکا و افزایش شدید نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی، ریسک های تأمین مالی در این کشور افزایش پیدا می کند. تحلیل گران معتقدند بدهی های عمومی امریکا در سال ۲۰۲۰، به ۱۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور خواهد رسید. این یعنی با هر نوع کاهش ریسک اعتباری امریکا ناشی از جنگ، هزینه های تأمین مالی این کشور به شدت افزایش خواهد یافت.

حکومت اسلامی ایران

هزینه جنگ برای ایران، به شدت بالاست. شاید همین عامل سبب شده است که ترمپ این چنین بی پروا اقدام به کشتن قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس و همه کاره خامنه ای در سپاه پاسداران و جنگ های نیابتی در کشورهای منطقه کند. با توجه به این که این جنگ احتمالی در داخل خاک ایران رخ خواهد داد و نه خاک امریکا، عمده زیرساخت های اقتصادی و طبیعی ایران در معرض نابودی قرار می گیرد. تنها با تخریب پارس جنوبی توسط موشک های امریکا، این امکان وجود دارد کل صنعت پتروشیمی کشور متحمل ضربات بسیار شدیدی شود. در واقع هر چند هزینه های جنگ برای امریکا نیز سنگین است، اما این هزینه ها کماکان برای ایران بسیار بیش تر و مخرب تر است. با توجه به آن چه در بالا گفته شد، بسیاری از تجهیزات نظامی و صنعتی ایران قابلیت خرید دوباره ندارند، از این رو در صورتی که مورد هدف امریکا قرار بگیرند، عملا امکان جایگزینی آن ها وجود ندارد. بنابراین، هزینه های جایگزینی آن نیز بسیار بالاست.

- نیروی «قدس» سپاه پاسداران

از این نیرو بعد از نیروی زمینی، هوایی، دریائی و بسیج به عنوان پنجمین نیروی سپاه پاسداران نام برده می شود که مأموریت های «برون مرزی» این نهاد را برعهده دارد. نیروی «قدس» در جریان جنگ ایران و عراق راه اندازی شد و هدف آن انجام مأموریت های شناسائی و نظامی در خاک عراق بود. پس از آغاز اعتراض های مردمی در سوریه در سال ۲۰۱۱، دور جدیدی از مأموریت های نیروی «قدس» سپاه در منطقه به خصوص سوریه آغاز شد، ضمن این که این مأموریت با حمله گروه «داعش» به عراق، گسترده تر از قبل نیز شده بود.

نیروی «قدس» سپاه، پس از دستگیری و آزادی چندین فرمانده ارشد خود در ماه‌های نخستین درگیری سوریه، به آرامی رویکردش در اعزام نیرو را تغییر داد و به حزب الله لبنان در زمینه اعزام، آموزش و سازماندهی این نیروها نقش بیش تری داد.

در این تغییر رویکرد، فرماندهان این نیرو تصمیم به راه اندازی «ستاد مردمی مدافعان حرم» در ایران گرفتند تا از این طریق بتوانند نیروهای داوطلب جنگ در سوریه را سازماندهی و به این کشور اعزام کنند.

این ستاد تاکنون بیش از ۱۰ تجمع با عنوان «مدافعان حرم» در تهران و تجمعات فراوان دیگری در سایر شهرهای ایران به منظور تشویق جوانان مذهبی برای پیوستن به جنگ سوریه برگزار کرده است.

مسئولیت برگزاری این تجمع را هیاتی در تهران به نام «هیات‌الرضا» برعهده دارد که مداح آن یعنی عبدالرضا هلالی یکی از کارمندان سپاه تهران است.

این ستاد طی سه سال گذشته توانسته ده‌ها تن از جوانان مذهبی فعال در مساجد، حسینیه‌ها، پایگاه‌های بسیج و حتی برخی اعضای سپاه شهرستان‌ها را از ایران برای جنگ به سوریه اعزام کند.

جنازه ده‌ها تن از اعضای این گروه تاکنون در شهرهای مختلف ایران تشییع و به خاک سپرده شده و از تعداد دقیق این کشته‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست.

سپاه پاسداران با وجود تشدید درگیری‌ها در سوریه و عراق و حضور رسمی قاسم سلیمانی در میدین جنگی عراق، هم‌چنان از طریق گروه «مدافعان حرم» اقدام به اعزام نیرو به این دو کشور می‌کند تا هزینه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دخالت‌های خود در امور داخلی برخی کشورهای منطقه را کاهش دهد.

سپاه بین‌المللی «مدافعان حرم»

«مدافعان حرم» با عضویت غیررسمی نیروهای «قدس» سپاه پاسداران و دست‌کم ۱۵ گروه نظامی مشهور تشکیل شده که در حال حاضر در سوریه و عراق در حال جنگ با مخالفان حکومت‌ها هستند.

هسته اولیه گروه «مدافعان حرم» را آن‌طور که رسانه‌های ایران گزارش کرده‌اند گردان «ابوالفضل العباس» به رهبری فردی به نام «عبدالامیر الربیعی» تشکیل داده است.

اعضای گردان «ابوالفضل العباس» که در شهر نجف و با فتوای «شیخ قاسم الطائی» یکی از علمای شیعه عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی پایه‌گذاری شده، شامل «گردان‌های حزب الله»، شیعه و برخی دیگر از نیروهای شبه‌نظامی شیعی این کشور هستند که سابقه فعالیت بعضی از آن‌ها به دوران صدام حسین می‌رسد.

گردان «ابوالفضل العباس» یکی از نخستین گروه‌های شیعه عراقی بود که با آغاز درگیری‌ها در سوریه راهی این کشور شد و در اول فوریه ۲۰۱۳ میلادی رهبری چندین گروه دیگر جنگ جویان شیعی در سوریه را برعهده گرفت و با انتشار بیانیه‌ای رسمی اعلام موجودیت کرد.

در این بیانیه، به تشکیل گروهی جدید و بین‌المللی با همین نام اشاره شده که هدف آن «ایمان به اسلام و مقاومت در برابر گروه‌های تکفیری» اعلام شده بود.

- گردان «زینبیون»

گردان نوپای «زینبیون» سومین گروه نظامی سازماندهی شده از داخل ایران برای جنگ در سوریه است که اعضای آن را شیعیان پاکستانی مقیم ایران تشکیل داده‌اند.

این گردان پس از حمله گروه «داعش» به عراق و با حمایت نیروی «قدس» سپاه راه‌اندازی شده و مأموریت اصلی آن در عراق تعریف شده است.

پایگاه اصلی این گردان در شهر مذهبی قم و اسلام‌آباد پاکستان قرار دارد. تاکنون پیکر چندین عضو کشته شده این گردان در قم تشییع و به خاک سپرده شده است.

گفته می‌شود این گردان ارتباط نزدیکی با «حزب الله پاکستان» دارد و دبیر کلی آن را فردی به نام «هادی نقوی» عهده دار است. نقوی به صراحت اعلام کرده که این گروه زیر مجموعه حزب الله لبنان است.

حزب الله لبنان علاوه بر پاکستان چندین شاخه نظامی دیگر در سوریه و عراق راه‌اندازی کرده که این گروه‌ها هدف خود را مقابله با نیروهای «تکفیری» اعلام کرده‌اند.

- گردان فاطمیون

هفته‌نامه معروف فرانسوی «اکسپرس» در ۶ ژانویه ۲۰۱۸ گزارش بسیار جالبی در باره لشکر فاطمیون ایران در سوریه دارد. لشکر فاطمیون از شیعه‌های افغانی تشکیل می‌شود که عمدتاً در ایران اقامت دارند. حجت‌الاسلام «سید زهیر مجاهد»، معاون فرهنگی لشکر فاطمیون در گفت‌وگو با روزنامه شرق، اعلام کرده است که از زمان اعزام این نیروها به سوریه (۵ سال پیش) تا کنون این لشکر بیش از ۲ هزار کشته و ۸ هزار زخمی داشته است. «اکسپرس» می‌نویسد که حکومت اسلامی به خانواده‌کشته‌شدگان افغانی این لشکر ملیت ایرانی اعطا می‌کند.

سید زهیر مجاهد، در ۲۴ آبان ۱۳۹۶ خورشیدی در گفت‌وگو با سایت خبری «حریم حرم» ضمن اشاره به کشته‌شدگان لشکر فاطمیون از این که بسیاری از واقعیت‌های جبهه سوریه سانسور می‌شود، گلایه کرده است. او گفته: «در حوزه جنگ سخت با کمک امثال حاج قاسم سلیمانی و رشادت گروه‌های مختلف حاضر هم چون فاطمیون بسیار خوب عمل کردیم اما در جنگ نرم شکست خورده‌ایم... جنگ سخت با اتحاد گروه‌های مختلف مقاومت به پیروزی رسید. هم بستگی این گروه‌ها بود که نتیجه بخش بود. حال آیا رزمندگان ما در عرصه فضای مجازی توانستند این رشادت‌ها را به خوبی بیان کنند؟ متأسفانه بسیاری از واقعیت‌ها به دست خود ما سانسور شد و تا جایی حقایق را به مردم نگفتیم که امروز شاهد مصادره‌ی هنرنمایی و رشادت رزمندگان هستیم... امروز وقتی در جامعه می‌گوئیم بچه‌های فاطمیون با ۲ هزار شهید در سوریه شاه‌کار ساختند، مردم با تعجب به ما نگاه می‌کنند و اصلاً نمی‌دانند فاطمیون چه کسانی هستند! حتی مردم شهری هم چون مشهد که نقطه آغاز فاطمیون است از این گروه اطلاعات کافی ندارند.»

این مسؤول ارشد فرهنگی لشکر فاطمیون، گفته است: «چه کسی شرق سوریه را پاک‌سازی کرد؟ اکثر شهدای جدید فاطمیون بر اثر انفجار مین به شهادت رسیده‌اند.»

- حزب الله سوریه

حزب الله سوریه شاخه دوم حزب الله لبنان در کشور سوریه است که حسین همدانی، جانشین قرارگاه مرکزی «امام حسین» تشکیل این مجموعه از سوی جمهوری اسلامی را تأیید کرده است.

این گروه شامل جنگ‌جویان حامی بشار اسد در سوریه است و به صورت محدود به ارتش این کشور در پیکار با مخالفان اسد کمک می‌کند.

حزب الله سوریه در آوریل ۲۰۱۴ میلادی ضمن اعلام کشته شدن هشت تن از اعضای خود با صدور بیانیه ای اعلام موجودیت کرد.

طبق گزارش ها اعضای حزب الله از شیعیان ۱۲ امامی سوریه تشکیل شده و آموزش آن ها بر عهده فرماندهان حزب الله لبنان و سپاه پاسداران است.

تعداد نیروهای این گروه ۱۵ هزار نفر برآورد می شود و اعضای آن در فیلمی که منتشر شده، اعلام کرده اند راه روح الله خمینی را ادامه خواهند داد و به دفاع از آرامگاه «حضرت زینب» خواهند پرداخت.

- حزب الله لبنان

حزب الله لبنان شناخت شده ترین گروه در جنگ شیعیان با گروه «داعش» در سوریه و عراق است که حسن نصرالله، دبیرکل آن بارها حضور نظامی نیروهای این گروه در سوریه را تأیید کرده است.

حزب الله لبنان از اواخر سال ۲۰۱۲ در درگیری های سوریه مشارکت داشته و شمار کشته های آن صدها نفر اعلام شده است.

این گروه به عنوان مهم ترین مرجع آموزش و طراح جنگ شهری در عراق و سوریه محسوب می شود که به خواست ایران وارد درگیری ها در این دو کشور شده است. بسیاری از شبه نظامیان شیعی در این دو کشور از سوی فرماندهان زبده حزب الله لبنان آموزش داده می شوند.

علت واگذاری این مأموریت به حزب الله لبنان از سوی نیروی «قدس» سپاه، تجربه بالای این گروه در جنگ چندین ساله با اسرائیل است؛ سال ها جنگ شهری و منطقه ای، فرماندهان این نیرو در جنگ شهری را زبده کرده است. «حزب الله لبنان» با الهام گرفتن از الگوی همکاری خود با نیروی «قدس» سپاه، دست کم از دو گروه «کتابت حزب الله» و «عصائب اهل الحق» در عراق برای تعلیم و تجهیز چند گروه شبه نظامی شیعی دیگر استفاده می کند. بسیاری از نیروهای این گروه در حال حاضر در مناطقی از سوریه و عراق مشغول جنگ هستند.

- حشد الشعبی

حشد الشعبی، بازوی مسلح حکومت اسلامی برای تثبیت نفوذش در عراق است. حشد الشعبی با ۱۴۰ هزار نیرو که حداقل ۱۰۰ هزار شیعه عراقی تحت نفوذ ایران را در اختیار دارد، بازوی قدرتمند مسلح حکومت اسلامی برای کنترل سرزمین عراق است. نفوذ حکومت اسلامی ایران در عراق، تنها نظامی نیست، بلکه سیاسی و مذهبی نیز بوده و از طریق مقامات سیاسی مانند نوری المالکی، و بسیاری از نمایندگان و وزرای کابینه حیدر عبادی و هم چنین سایر گروه های مذهبی شیعه تضمین می گردد. شبکه رادیویی اروپای ۱ در آخرین روز سال ۲۰۱۷، گفت و گوی گزارشگر این شبکه با حامد السعیدی، سخنگوی حشد الشعبی را پخش کرد. گفتگو ابعاد نفوذ حکومت اسلامی ایران در سیاست عراق را نشان می دهد.



ابومهدی مهندس در کنار قاسم سلیمانی در تهران - سال ۱۳۹۶

سخن گوی حشد الشعبی در باره نحوه تشکیل این گروه می گوید: هسته اولیه حشد الشعبی از رزمندگانی تشکیل شده که با نیروهای اشغال گر امریکائی مبارزه کرده اند. این گروه سپس با نیروهای القاعده و پس از آن با نیروهای داعش مبارزه کرده اند. هدف، پاک سازی عراق و منطقه از وجود نیروهای داعش است. او می گوید: حشد الشعبی پیش تر برای انجام بهینه این مأموریت مراکز آموزشی نظامی دائر کرده است. سازمان حشد الشعبی عراقی است؛ اما برادران ایرانی ما تحت فرماندهی سردار قاسم سلیمانی به ما مشورت های نظامی می دهند و ایران هم چنین در برنامه ریزی، امور استراتژیک و تکنیک مورد نیاز حشد الشعبی را یاری می دهد.

حامد السعیدی می گوید ۱۹ دسامبر گذشته، قانون پیوستن حشد الشعبی به نیروهای مسلح امنیتی عراق امضاء شد. حامد السعیدی تاکید می کند: «اهداف ما تنها نظامی نیست، بلکه در برگیرنده پروژه سیاسی برای آینده عراق است.» گزارشگر رادیو اروپا ۱ فرانسه می گوید: «هدف حشدالشعبی ایجاد حکومت اسلامی مطابق مدل کنونی ایران در عراق است.»

- سپاه «بدر»

سپاه «بدر» مشهورترین عضو «مدافعان حرم» در عراق است که رابطه بسیار نزدیکی با حکومت اسلامی و سپاه پاسداران در ایران دارد.

این سپاه جزء ۴۲ گروه شبه نظامی فعال در عراق است که به همراه ۲۸ گروه شبه نظامی دیگر «مستقیماً مورد حمایت ایران» قرار دارند.

سپاه «بدر» شاخه نظامی مجلس اعلای اسلامی عراق بوده که در سال ۱۹۸۰ میلادی توسط محمدباقر حکیم رئیس وقت این تشکل سیاسی - نظامی و با عضویت گروهی از اسرا و پناهندگان عراقی در ایران تاسیس شد. اعضای این سپاه خود را از فدائیان روح الله خمینی، بنیان گذار حکومت اسلامی، می دانند و در زمان صدام حسین، مبارزه با حکومت او را «جهاد فی سبیل الله» عنوان می کردند.

فرماندهی سپاه «بدر» را در حال حاضر هادی عامری بر عهده دارد که پیش تر نماینده مجلس و وزیر حمل و نقل دولت عراق بوده و شخصیت مهمی در «بسیج مردمی» عراق علیه گروه «داعش» است.

هادی عامری، ارتباط بسیار نزدیکی با قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی «قدس» سپاه داشت و تاکنون تصاویر متعددی از این دو فرمانده نظامی در عراق منتشر شده است.

پنجم نوامبر سال ۲۰۱۴ نیز تصویری از عامری و سلیمانی در خانه رهبر حکومت اسلامی منتشر شد که در آن زمان بازتاب‌های فراوانی به همراه داشت و نشانه‌های نزدیکی این فرمانده سپاه عراق به رهبر حکومت اسلامی بود. این سپاه چندی پیش ویدیویی در تعریف و تمجید از آیت‌الله خامنه‌ای ساخته و پخش کرده است. مقرر کنونی این سپاه در عراق، پادگان «اشرف» مقرر سابق اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران است که در جولای سال ۲۰۱۴ در اختیار این سازمان نظامی قرار گرفت.

- گردان «ابوالفضل‌العباس» یا «لواء ابوالفضل‌العباس»

گردان «لواء ابوالفضل‌العباس» که متشکل از چند گروه نظامی شیعی عراقی است، به‌طور رسمی در اول فوریه سال ۲۰۱۳ با هدف حفاظت از آرامگاه حضرت زینب، دختر امام اول شیعیان در سوریه اعلام موجودیت کرد. اعضای این گردان را علاوه بر گروه «الیوم الموعود» وابسته به «جریان صدر» به رهبری «مقتدی الصدر» و گروه «عصائب أهل الحق» به رهبری «شیخ قیس الخزعلی» وابسته به «جیش‌المهدی»، گروهی از اعضای حزب الله لبنان و اتباع عراقی ساکن دمشق تشکیل می‌دهند. تاکنون چندین فیلم از گردان «ابوالفضل‌العباس» در سایت‌های مختلف اینترنتی پخش شده که در یکی از آن‌ها اعضای این گردان تاکید می‌کنند تنها با هدف دفاع از آرامگاه «حضرت زینب» وارد دمشق شده‌اند. برخی اعضای این گردان پس از حمله گروه «داعش» به خاک عراق به جمع سایر شیعیانی پیوسته‌اند که با هدف مقابله با گروه «داعش» در این کشور سلاح به دست گرفته‌اند. «علاء الکعبی»، مسئول نظامی گردان «ابوالفضل‌العباس» تعداد نیروهای فعلی این گردان در خاک عراق را ۵۰۰ نفر اعلام کرده است. برخی خبرگزاری‌های رسمی در ایران، تشکیل این گردان در سوریه را اقدامی از سوی حزب الله لبنان و شخص حسن نصرالله اعلام کرده‌اند. فرماندهی این گردان را فردی به نام حسین ابوعجیب از شیعیان عراقی ساکن سوریه برعهده دارد که دارای ارتباط نزدیکی با نیروی «قدس» سپاه پاسداران است.

- گردان «لواء نوالفقار»

این گردان بعد از گردان «ابوالفضل‌العباس» دومین گروه مسلح شیعی عراقی در دمشق است که اعضای آن اعلام کرده‌اند مشغول «دفاع» از آرامگاه دختر امام اول شیعیان هستند. فرماندهی این گردان را «ابوشهد الجبوری» برعهده داشت که وی نیز فوریه سال ۲۰۱۴ در درگیری‌های دمشق جان خود را از دست داد. «الجبوری» پیش از مرگ ارتباط نزدیکی با جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران داشت و تصاویر متعددی از وی در ایران منتشر شده که نشانه‌ای از میزان ارتباط وی با جمهوری اسلامی است. جانشین «الجبوری» فردی به نام «فاضل صبحی» معروف به «ابوهاجر» از اعضای گروه «عصائب‌الحق» عراق بود که در درگیری‌های سوریه کشته شد و از سفرهای وی به ایران نیز تصاویر متعددی منتشر شده است. از این گردان اطلاعات زیادی در دست نیست، اما دو فرمانده آن یعنی «ابوشهد الجبوری» و «فاضل صبحی» از شناخته شده‌ترین اعضای «مدافع حرم» در ایران به‌شمار می‌روند.

- گروه عصاب اهل حق

مجوز فعالیت نظامی گروه «عصاب اهل حق» عراق به دبیر کلی «شیخ قیس خزعلی» را محمود هاشمی شاهرودی صادر کرده بود.

محمود هاشمی شاهرودی، رئیس سابق قوه قضائیه ایران و عضو هیات رئیسه مجلس خبرگان و متولد عراق است. «عصاب اهل حق» اعلام کرده حضور نیروهای امریکائی در خاک عراق به نام «ائتلاف» در برابر «داعش» را به منزله اشغال خاک این کشور می داند و با این نیروها وارد جنگ خواهد شد.

آگوست و اکتبر سال ۲۰۱۴ دو گروه از اعضای «عصاب اهل حق» برای تمرین های نظامی و دیدار با برخی روحانیون بلندپایه قم به ایران سفر کردند که در آن زمان انتشار تصاویری از آن ها بازتاب های زیادی در رسانه ها به همراه داشت.

اعضای این گروه جزء نخستین افرادی بودند که با آغاز درگیری ها در سوریه وارد این کشور شده و علیه مخالفان بشار اسد مشغول جنگ شدند و در حال حاضر نیز در عراق مشغول جنگ هستند.

جوانی به نام مهدی بختیاری، نماینده گروه «عصاب اهل حق» در ایران است.

«عصاب اهل حق» از جمله گروه های شیعه عراقی است که معتقد به «ولایت فقیه» و ولایت آیت الله علی خامنه ای است.

این گروه که «حزب الله لبنان» را از الگوهای خود معرفی می کند، قبل از حمله گروه «داعش» به عراق حدود سه هزار نفر عضو داشت و در حال حاضر تعداد نیروهایش را بیش از ۵۰ هزار نفر اعلام کرده است.

- «سرایا السلام»

نام قبلی این گروه «جیش المهدی» بود و مقتدی صدر، روحانی تندروی شیعه در عراق رهبری آن را بر عهده دارد. «لواء الیوم» نام دیگر گروه «سرایا السلام» است.

سرایا السلام یکی از گروه های نظامی در عراق است که پس از سقوط شهر موصل به دست داعش، توسط مقتدی صدر راه اندازی شد.

نام مقتدی صدر در سال ۲۰۰۳ پس از سقوط حکومت صدام بر سر زبان ها افتاد. او که فرزند آیت الله محمد محمدصادق صدر از مراجع عظام تقلید عراق بود، پس از اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳ توسط امریکا، گروهی به نام «جیش المهدی» تشکیل داد.

مقتدی صدر هدف از تشکیل این گروه مسلح را مبارزه با «اشغال گران» اعلام کرد و نیروهای «جیش المهدی» بارها با نیروهای امریکا در شهرهای مختلف عراق به خصوص در شهر نجف درگیر شدند.

صدر به دلایلی در سال ۲۰۰۹ نام این گروه را به «لواء الیوم الموعود» تغییر داد، اما هدف اصلی آن که مبارزه با نیروهای امریکائی بود، هم چنان به قوت خود باقی مانده است.

مقتدی صدر پس از اشغال شهر موصل به دست داعش و صدور فتوای جهاد کفائی از سوی آیت الله علی سیستانی، گروه «سرایا السلام» را تشکیل داد.

بسیاری از اعضای این گروه در گذشته عضو «جیش المهدی» و «لواء الیوم الموعود» بودند.

در ابتدا هدف گروه «سرایا السلام» تنها حفاظت از مساجد و اماکن مقدس شیعیان و اهل سنت عراق بود، اما بعداً اعضای این گروه در درگیری‌های متعدد با «داعش» در مناطق مختلفی هم چون سامراء، دیالی، آمرلی و جرف الصخر شرکت کردند.

- «سرایا الخراسانی»

اعضای گردان «سرایا خراسانی» را بیش تر شیعیان جنوب و مرکز عراق تشکیل داده اند و هدف اصلی آن مبارزه با گروه «داعش» است.

فرماندهی این گردان شیعی را فردی به نام «سیدعلی الیاسری» بر عهده دارد و در گفت و گوئی به صراحت خواستار تشکیل سپاه پاسداران در عراق شده است.

یکی از ویژگی هائی که گردان نظامی «سرایا خراسانی» را از دیگر گروه های نظامی در عراق و سوریه متمایز می کند لوگو و نشانی است که این گروه برای خود انتخاب کرده که مانند نشان سپاه پاسداران ایران است.

این گروه به علت وابستگی های مستقیم به حکومت اسلامی ایران، از دیگر گروه های شیعه پیشی گرفته و به خوبی از لحاظ نظامی و لجستیکی پشتیبانی می شود.

در یکی از ویدیو کلیپ هائی که از سوی گروه «سرایا الخراسانی» تولید و منتشر شده از حمید تقوی، یکی از فرماندهان کشته شده سپاه در عراق به عنوان موسس این گروه نام برده شده است.

حمید تقوی، یکی از فرماندهان نیروی «قدس» سپاه بود که در دسامبر سال ۲۰۱۴ در سامرا کشته شد و تصاویری از وی در برخی خیابان های شهر عراق نصب شده است.

تلویزیون نوپای «افق» وابسته به سپاه پاسداران نیز هفت آوریل سال ۲۰۱۵ مستندی از یکی از عملیات این گروه در آزادی شهر «بلد» را پخش کرده که برخی از اعضای آن بر روی لباس های خود تصاویری از آیت الله علی خامنه ای حمل می کنند.

- «کتاب حزب الله»

گردان های حزب الله عراق (کتاب حزب الله فی العراق) یکی دیگر از گروه های جنگ جوی شیعه در عراق است که بیش تر اعضای آن را مقلدان آیت الله محمدباقر صدر و آیت الله خمینی دو تن از مراجع تقلید شیعه تشکیل داده اند.

«کتاب حزب الله» در سال ۲۰۰۳ میلادی راه اندازی شد. این گروه با این که جزء مخالفان سرسخت صدام حسین بود، اما به شدت اشغال کشور به دست نیروهای خارجی را رد می کرد.

«کتاب حزب الله» پس از سقوط صدامف نخستین عملیات ضد امریکائی خود را در تاریخ ۲۳ اکتبر سال ۲۰۰۳ در منطقه «بلدیات» شهر بغداد انجام داد و تا سال ۲۰۱۱ به انجام این نوع عملیات مبادرت می کرد.

«گردان های حزب الله عراق» تنها گروه شبه نظامی شیعه عراقی است که در لیست سپاه تروریستی امریکا قرار دارد. پس از آغاز بحران سوریه، نیروهای «کتاب حزب الله» برای دفاع از حکومت بشار اسد وارد سوریه شدند که این حضور هم چنین ادامه دارد.

اعضای «گردان های حزب الله عراق» در حال حاضر در عراق و سوریه مشغول جنگ هستند.

این گروه از توانائی بالای امنیتی و عملیاتی برخوردار است، زیرا هدف آن ها از ابتدا نفوذ به سرویس های اطلاعاتی امریکا یا عراق بود.

«رحمان الجزائری»، دبیرکل «گردان های حزب الله» عراق اعلام کرده که این تشکیلات در حال حاضر بیش از پنج هزار نیرو در قالب سه گردان در عراق دارد.

- حزب الله عراق

«حزب الله عراق» در واقع بخشی از «حزب الله لبنان» به رهبری حسن نصرالله است که از سوی «وائق البطاط» بنیان گذاشته شد.

وائق البطاط متولد سال ۱۹۷۳ میلادی در استان «میسان» عراق بود که از سال ۱۹۹۳ میلادی به همراه گروهی از مخالفان صدام حسین به ایران مهاجرت کرد.

البطاط که سال‌های زیادی در ایران زندگی کرده بود و سابقه عضویت در سپاه «بدر» را داشت در سال ۲۰۰۲ اقدام به راه اندازی تشکیلاتی به نام «نارالله» کرد و به گروه «جیش المهدی» پیوست.

البطاط در سال ۲۰۰۶ در لبنان نام تشکیلات «نارالله» را به «حزب الله» تغییر داد و بنای کار آن را بر «مقاومت اسلامی» گذاشت و بعد از خروج امریکا از عراق عنوان «مقاومت» را به «نهضت» تغییر داد.

شمار اعضای «حزب الله عراق» آن‌طور که مسئولان آن اعلام کرده اند بیش از ۳۸۰ هزار نفر است که همگی آن‌ها مسلح بوده و در مجموع بیش از ۱۰ هزار موشک نیز در اختیار دارند.

- کتائب امام علی

گروهی از شبه نظامیان شیعی مقیم عراق را اعضای این گروه تشکیل داده اند و فرماندهی آن‌ها را «محمد شیل الزیدی» برعهده دارد.

این گروه یک ماه پس از اشغال شهر موصل از سوی گروه «داعش» تشکیل شد.

علی موسوی با کنیه «ابوحسنین» جانشین «شیل الزیدی» در این گروه بود که ششم مارس سال ۲۰۱۵ در جریان آزادسازی شهر «تکریت» کشته شد.

«کتائب امام علی» هم چون سایر گروه‌های شیعی با حمایت حکومت اسلامی ایران و با هدف از مقابله با گروه «داعش» تشکیل شده است.

تصاویر بسیاری از فرماندهان این گروه در کنار قاسم سلیمانی در شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های خبری منتشر شده که نشان از ارتباط نزدیک موسسان آن با نیروی «قدس» سپاه دارد.

- کتائب سیدالشهداء

«کتائب سیدالشهداء» یکی از گردان‌هایی است که از سال ۲۰۰۳ با نیروهای امریکا در عراق می‌جنگید و از سال ۲۰۱۱ نقش موثری در جنگ سوریه ایفا کرده است.

اعضای این گردان را شیعیان عراقی تشکیل داده اند و هدف خود از حضور در سوریه را محافظت از آرامگاه «حضرت زینب» اعلام کرده اند.

براساس برخی گزارش‌ها تاکنون ۳۰ تن از اعضای این گروه در درگیری‌های سوریه جان خود را از دست داده اند.

از ابومصطفی خزعلی به عنوان فرمانده این گردان و از «ابو الاء الولائی» به عنوان دبیرکل این گروه نام برده می‌شود که تصاویر و اطلاعات چندانی درباره آن‌ها در دسترس نیست.

تلویزیون رسمی حکومت اسلامی ایران نیز مستندی درباره این گروه ساخته و پخش کرده است.

- «حرکة النجباء»

«جنبش مقاومت اسلامی حرکت حزب الله النجباء» که به اختصار گردان «النجباء» نامیده می شود را گروهی از شیعیان نزدیک به حکومت اسلامی تشکیل داده اند. گردان «حزب الله نجباء» همانند گردان «ابوالفضل العباس» از زیرشاخه های گروه «عصائب اهل الحق» بوده که فرماندهی آن را «شیخ اکرم الکعبی» از مشاوران و معاونان سابق «مقتدی صدر» برعهده دارد. این گروه رابطه بسیاری نزدیکی هم با حزب الله لبنان دارد و در سایت های اینترنتی تصاویری از فرمانده آن با حسن نصرالله در سفری که به لبنان داشته، وجود دارد. «ابوعیسی اقلیم» از فرماندهان نظامی حزب الله لبنان مسؤلیت اصلی آموزش نظامی این گروه در عراق را برعهده داشته است.

از این فرمانده حزب الله نیز تصویری در کنار «الاکرم الکعبی» در سایت های خبری منتشر شده است. «ابوعیسی اقلیم» در پی حمله بالگردهای اسرائیل به یک کاروان نظامی حزب الله لبنان در استان «قنیطره» سوریه به همراه جهاد مغنیه، یکی از فرمانده سپاه پاسداران و چند عضو دیگر حزب الله کشته شد. از «حرکة النجباء» اطلاعات زیادی در دست نیست، اما این گروه در تمجید از قاسم سلیمانی ویدیوئی منتشر کرده است.

از «شیخ اکرم الکعبی» تصاویر مشترکی با قاسم سلیمانی منتشر شده است. «حرکة النجباء» تنها گروهی است که در جریان جنگ با گروه «داعش» در عراق ادعا کرده پهبادی به نام «بیسیر» به منظور شناسائی مناطق عملیاتی ساخته و به پرواز درآورده است. از «یحیی الشیری» به عنوان نماینده «جنبش حزب الله النجباء» در ایران نام برده می شود که ۱۷ مارس سال ۲۰۱۵ در مراسمی که سفارت عراق در تهران برگزار کرد، حضور داشت.

قاره آفریقا

قاره آفریقا منطقه ای است که همواره قدرت های بین المللی و منطقه ای را به سمت خود جذب کرده است. این قاره سرشار از منابع طبیعی و دارای موقعیت استراتژیکی مهم در حساب و کتاب کشمکش ها و توازنات خاورمیانه به شمار می رود. ۵۴ کشور آفریقائی با تراکم بالای جمعیت مواجه هستند و از این رو در جریان رای گیری نهادهای بین المللی و منطقه ای نمی توان به راحتی از کنار این کشورها گذشت. حکومت اسلامی ایران در سال های اخیر، برای مقابله با فشارهای غربی ناشی از برنامه هسته ای کوشیده تا با هدف آسیب رساندن به منافع غربی و اسرائیلی در همه کشورهای جهان و انتقال نبرد شیعی - سنی به خارج از خاورمیانه با قدرت های غربی و نیز کشورهای قدرتمند عربی تقابل کند. حکومت اسلامی ایران، برای اجرای اهداف خود تاکتیک های متعددی از جمله جذب متحد و ایجاد کریدورهای زمینی و آبی در پیش گرفت. این اقدامات منجر به کاهش انزوا و اجرای استراتژی منطقه ای ایران و نیز تسهیل حمایت از متحدان منطقه ای این کشور شد. قاره آفریقا منطقه ای ایده آل در راستای تحقق اهداف ایران به شمار می رود.

سیاست خارجی حکومت اسلامی ایران در آفریقا، با استناد به ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی و فرهنگی و دیگر ابزارهای غیرنظامی انجام می‌شود. حکومت برای اجرای این سیاست، سرمایه‌گذاری‌های کلانی کرده است. اما اهداف حکومت اسلامی ایران از طریق ابزارهای یاد شده تأمین نشد و موفقیت‌چندانی برای ضربه به منافع نیروهای متخاصم و تثبیت حضور در کل قاره آفریقا دست نیافت. بنابراین نیروهای سپاهی - سازمان امنیتی و نظامی برای تحقق اهداف ایران به کشورهای آفریقائی اعزام شدند. سپاه قدس، به دور از دستگاه‌های حکومتی به اجرای سیاست خارجی و انجام عملیات محرمانه در برخی کشورهای آفریقائی برای دست‌یابی به اهداف مدنظر پرداخته اما با این عملیات امنیت این کشورها را در معرض خطر قرار داده و منجر به تیره شدن روابط بسیاری از مناطق آفریقائی و ایران شد.

هزینه های جنگ سوریه از جیب مردم ایران تأمین شده است!

جنگ داخلی سوریه، هشت ساله شده است. اعتراض‌های خیابانی در زمستان ۱۳۸۹، به سرعت تبدیل به یک جنگ داخلی تمام عیار شد. و ایران، از همان آغاز برای حمایت از حکومت بشار اسد کمک‌های تسلیحاتی را آغاز کرد. تا جایی که در نیمه اول سال ۱۳۹۰، اتحادیه اروپا سه عضو ارشد سپاه پاسداران و نیروی قدس سپاه را به دلیل «تأمین تجهیزات و پشتیبانی از سرکوب معترضان» تحریم کرد.

حمایت‌های حکومت اسلامی ایران، با بالا گرفتن جنگ داخلی سوریه ابعاد گسترده‌تری یافت و از کمک‌های تسلیحاتی و آن‌چه مقام‌های سیاسی و نظامی ایران «کمک‌های مستشاری» می‌خوانند به ارسال لشکرهای فاطمیون و زینبیون و هم‌چنین کمک‌های مالی و تجاری رسید.

فارغ از ابعاد سیاسی حمایت حکومت اسلامی ایران از حکومت بشار اسد، این سؤال مطرح است که هشت سال دخالت تمام عیار حکومت اسلامی ایران در جنگ داخلی سوریه، برای جامعه ایران چه قدر خرج داشته است؟ در سال‌های اخیر، این سؤال بارها حتی در میان منتقدین درونی حکومت نیز مطرح شده است. در داخل کشور در جریان اعتراض‌های دی ۱۳۹۶، خرج کردن برای سوریه در شعارهای معترضان شنیده شد.

اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، اقتصادی شفاف شناخته نمی‌شود و هم‌چنین ارزش‌گذاری بعضی از خدمات (مثل اعزام نیرو) یا کمک‌های تسلیحاتی، بسیار دشوار و گاهی به دلیل نبود اطلاعات کافی، ناممکن است. با این حال، در سال‌های اخیر، برآوردهائی از حجم کمک‌های ایران به سوریه مطرح شده است.



- سازمان ملل در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد: «سالی ۶ میلیارد دلار»

شاید قابل‌اتکا ترین رقم، برآورد دفتر نماینده سازمان ملل در امور سوریه، استفان دی میستورا باشد. جسی شاهین سخن‌گوی این دفتر گفته که برآورد سازمان ملل این است که ایران به‌طور متوسط «سالی ۶ میلیارد دلار» (معادل ۲۲ هزار میلیارد تومان با نرخ دلار بانک مرکزی) در سوریه هزینه می‌کند.

برای مقایسه، این برآورد به معنی آن است که ایران، سالانه حدوداً به اندازه نصف بودجه پرداختی یارانه های نقدی به سوریه کمک کرده است. اگر ایران این رقم را به صورت منظم در شش سال نخست جنگ داخلی سوریه هزینه کرده باشد، به معنی پرداخت ۳۶ میلیارد دلار است. این رقم، حدود سه برابر بودجه دفاعی سالانه ایران است. یکی دیگر از عده های مطرح شده، برآورد ندیم شهادی، استاد اقتصاد در دانشگاه تافتس در ماساچوست امریکا است. شهادی برآورد کرده است که ایران در سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، یعنی زمانی که حکومت بشار اسد تقریباً تمام منابع درآمد خود را از دست داده بود، بین ۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار به سوریه کمک کرده است.

شهادی به بی بی سی فارسی گفته است که به گفته او «ورود گروه های متعدد که تحت حمایت مالی سپاه پاسداران ایران هستند، از جمله گروه هائی از عراق و افغانستان، برآورد هزینه های ایران در سال های بعد از ۲۰۱۳ میلادی بسیار دشوار است.» اما برآورد شهادی به عددی که سازمان ملل متحد اعلام کرده (سالی حدود ۶ میلیارد دلار)، نزدیک است. مقام های ارتش اسرائیل، در سال های اخیر عده های در مورد حمایت های مالی ایران از گروه های به گفته آن ها «تروریستی» اعلام کرده اند.

در مورد سوریه، گادی آیزنکوت، فرمانده ستاد کل ارتش اسرائیل، هم زمان با اعتراض های دی ماه ۱۳۹۶ در ایران، گفت که تهران از سال ۲۰۱۲ «میلیاردها دلار» در سوریه خرج کرده است. او گفت در حال حاضر ایران دو هزار نیروی ایران، ۱۰ هزار نیروی غیر ایرانی و ۸ هزار نیروی حزب الله لبنان را به خاک سوریه اعزام کرده است. وزارت دفاع اسرائیل، هم چنین پائیز ۱۳۹۵ گفته بود که برآورد می کند ایران سالی ۸۰۰ میلیون دلار به حزب الله و ۷۰ میلیون دلار به حماس و گروه های دیگر نوار غزه پرداخت می کند.

در مورد هزینه نیروهائی که حکومت اسلامی ایران به سوریه فرستاده است، در سال ۲۰۱۷، نیویورک تایمز گزارشی منتشر کرد و به نقل از یکی از نیروهای افغان که از طریق سپاه فاطمیون به سوریه رفته بود، مبلغ دستمزد ماهانه این نیروها را ۸۰۰ دلار اعلام کرده بود. منابع دیگر هم مبلغ هائی حدود این را تأیید می کنند. با این حساب اگر تعداد این نیروها آن طور که اسرائیل برآورد می کند، ۱۰ هزار نفر باشد، هزینه سالانه تنها پرداخت دستمزد آن ها برای ایران حدود ۱۰۰ میلیون دلار خواهد بود، با این تأکید که این رقم تنها یک برآورد است.

در زمان مذاکرات هسته ای ایران و گروه ۵+۱، مسأله رفع تحریم ها و آزاد شدن پول های مسدود شده ایران در بانک های خارجی، سؤال از رسیدن این پول ها به دست بشار اسد را مطرح کرده بود. در آن زمان دولت باراک اوباما، برآوردهای «چند صد یا چند ده» میلیاردی را دور از واقعیت دانست. باراک اوباما در یک گفت و گوی تلویزیونی، گفت که «خطر ایران به خاطر پولدار بودنش نیست، بودجه سالانه دفاعی ایران حدود ۱۵ میلیارد دلار است، در حالی که بودجه دفاعی کشورهای خلیج فارس ۱۵۰ میلیارد دلار است.»

و بعد از آن جک لو، وزیر وقت دارائی امریکا هم بودجه ای که ایران برای سوریه کنار می گذارد را «کوچک» خواند و گفت: «با وجود ناچیز بودن این بودجه، باید هشیار بمانیم و با یا بدون توافق هسته ای با اقدامات بی ثبات کننده ایران در منطقه مقابله کنیم.»

واضح ترین کمکی که ایران به حکومت سوریه کرده است، باز کردن خطوط اعتباری است. صندوق بین المللی پول این اعتبارها را «تنها کمک مالی رسمی» به حکومت سوریه در فاصله سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ میلادی خوانده است. این صندوق مجموع کمک های ایران در قالب خطوط اعتباری (Line Of Credit) را ۵ میلیارد و ۸۷۰ میلیون دلار اعلام کرده است. علاوه بر این اعتبارها، سازمان توسعه تجارت ایران هم مهر ۱۳۹۵ از «اختصاص خطوط اعتباری خاص» برای صادرات به عراق و سوریه خبر داد. اما جزئیات بیش تری درباره سقف این اعتبار اعلام نشده است با

این حال بعضی از منابع سوری، سقف اعتبارات ایران را ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار اعلام کرده‌اند که به رقم بالا نزدیک است.

خط اعتباری، در بازارهای مالی به قراردادی بین یک موسسه مالی و یک مشتری گفته می‌شود که سقف یک وام کوتاه یا بلند مدت را تعیین می‌کند. برای مثال، خط اعتباری یک میلیارد دلاری حکومت اسلامی ایران برای حکومت سوریه، می‌تواند تا سقف یک میلیارد دلار از ایران کالا بخرد یا براساس مفاد قرارداد، پول نقد قرض کند و در عوض باید باز هم طبق قرارداد، سود پولی که قرض می‌کند را بپردازد، یا کل وام را در موعد مشخص بازپرداخت کند.

در مورد سوریه، حکومت اسلامی ایران جزئیات قرارداد با دمشق را منتشر نکرده است. اما رئیس سابق بانک مرکزی ایران، ابراهیم مظاهری سال ۹۵ در یک مناظره با عنوان «روابط اقتصادی ایران با کشورهای جهان سوم، صدقه یا سرمایه‌گذاری؟» گفته که بعضی از دولت‌ها، برای کمک مالی به کشورهای خارجی با اعطای خطوط اعتباری «مجلس را دور می‌زنند.»

مقام‌های حکومت اسلامی ایران، گفته‌اند که حدود ۶ میلیارد دلار اعتباراتی که در اختیار دمشق گذاشته شده است، برای تجارت کالا است. اما مشخص نیست چه مقدار از این اعتبار تاکنون مصرف شده است. گرچه سه بار بالا رفتن حجم اعتبار می‌تواند به معنی نیاز به اعتبار بیش‌تر برداشت شود.

از آن‌جا که این اعتبارها بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ در نظر گرفته شده است، می‌توان با محاسبه حجم تجارت دو کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ به برآوردی از اندازه تجارت رسمی دو کشور رسید. این رقم از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند برآوردی از آن‌چه حکومت اسلامی ایران، تجارت «بخش خصوصی» ایران با سوریه می‌خواند، به دست بدهد.

ارزش کالاهایی که از سال ۱۳۹۰ تا هشت ماه اول ۱۳۹۶ از گمرک ایران به سوریه صادر شده است، به یک میلیارد و ۳۱۳ میلیون دلار می‌رسد. واردات ایران از سوریه هم در این مدت، حدود ۹۱ میلیون دلار ارزش داشته است. بنابراین، تراز تجاری دو کشور در زمان جنگ، به منفی یک میلیارد و ۲۲۱ میلیون دلار می‌رسد. این رقم با فرض این‌که سوریه با صادرات کالا به ایران، بخشی کوچکی از واردات را جبران کرده باشد، می‌تواند به عنوان بدهی سوریه به ایران در نظر گرفته شده باشد.

چرا که براساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول، در این سال‌ها سوریه «به هیچ عنوان» توان تسویه حساب‌های بین‌المللی خود را نداشته است.

محمد جواد ظریف، وزیر خارجه حکومت اسلامی ایران، در سال ۹۴ در اجلاسی در مورد جلب کمک‌های «بشردوستانه برای مردم سوریه» که در لندن برگزار شد گفت که ارزش کمک‌های بشر دوستانه ایران از آغاز جنگ، حدود ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بوده است. او گفت این پول ارزش کمک‌های دارویی، تجهیزات پزشکی، خوراک و اقلام مصرفی دیگر است.



ستاد بازسازی عتبات عالیات، همان طور که از نامش مشخص است، برای بازسازی مکان های «مقدس شیعیان» در عراق تشکیل شده است اما حالا در سوریه هم حضور دارد. این سازمان ادعا می کند که بودجه دولتی ندارد و به گفته مسؤلانش، بودجه خود را تنها از «کمک های مردمی» و «کمک بعضی از شرکت های خصوصی» تأمین می کند. گرچه بعضی از مخالفان حکومت ایران می گویند این ستاد آشکارا از امکانات دولتی استفاده می کند.

این ستاد تاکنون «مرمت» مقبره زینب کبری (از زنان مقدس شیعیان) را در دمشق تمام کرده و در حال ساخت یک «مهمان سرا» مقابل مقبره است (سال ۲۰۱۸) که بعد از تکمیل به گفته مسؤلان این ستاد «در اختیار آستان قدس رضوی» قرار خواهد گرفت.

هم چنین شهرداری مشهد، در حال ساخت یک «بوستان» در نزدیکی این مقبره بود. این ستاد رقم مشخصی از هزینه هائی که در سوریه کرده است را منتشر نکرده، اما در یک مورد از هزینه ۱۰۰ میلیون تومان، برای تجهیز این مقبره خبر داده است. مقام های این ستاد ادعا کرده اند که بیش تر هزینه ها را «مردم مومن خوزستان» پرداخت کرده اند.

بانک جهانی در برآوردش گفته است درآمد سوریه از نفت، در سال ۲۰۱۱ حدود ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دالر بود، که در سال ۲۰۱۵ (حدود دوسال پیش) درآمدش به ۱۴۰ میلیون دالر در سال کاهش یافته است. بنابراین دولت سوریه حدود ۹۷ درصد درآمدش را از دست داده است.

اگر برآورد دفتر نماینده ویژه سازمان ملل در سوریه که در بالا به آن اشاره شد، کمک سالانه «۶ میلیارد دالری» ایران می تواند تا حدودی نیازهای حکومت سوریه را برطرف کند و جایگزین نفت شود.

سوریه قبل از آغاز جنگ هم اقتصادی کوچک و وابسته به صادرات نفت داشت. با آن که این کشور منابع بزرگی هم ندارد اما همان فروش سالی ۵ تا ۶ میلیارد دالر نفت و محصولات نفتی، بزرگ ترین درآمد این کشور بود. مقصد تقریباً تمام صادرات نفت هم اتحادیه اروپا بود که با شروع جنگ، سوریه را تحریم کرد. و البته از حدود سال ۲۰۱۲، دمشق تقریباً کنترل منابع نفتی خود را از دست داد یا آن که تولید به دلیل جنگ برایش ناممکن شد.

صندوق بین المللی پول برآورد کرده است که در فاصله سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ میلادی (۱۳۹۴-۱۳۹۰) اقتصاد سوریه حدود ۶۰ درصد کوچک شده است. تمام منابع درآمدی از بین رفته و دولت اموراتش را با خرج منابع ارزی ذخیره شده، چاپ پول و تقریباً ممنوع کردن خروج هر نوع پولی از کشور تأمین کرده است. در این دوره، تورم بین ۱۲۰ تا ۵۰ درصد در نوسان بوده است. البته همه منابع باقی مانده در راستای تهیه مایحتاج ضروری و خرید سلاح و مهمات به کار گرفته شده است، یعنی یک اقتصاد جنگی تمام عیار.

بر اساس برآورد صندوق بین المللی پول، افزایش بدهی داخلی دولت بشار اسد به بیش از دو برابر تولید ناخالص داخلی کشور و بدهی خارجی به حدود ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. با این ارقام، پولی برای بازپرداخت بدهی های خارجی نمی ماند.

یحیی رحیم صفوی، مشاور نظامی آیت الله علی خامنه ای هم اخیرا گفته بود که سوریه «آمدگی دارد از منابع نفت و گاز و فسفات بدهی خود را به ایران بپردازد.»

سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۸، برآورد کرده است که سوریه برای بازسازی، نیاز به ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار دارد. این رقم حدود ۱۰ برابر تولید ناخالص داخلی سوریه است که نشان می دهد این کشور، نیاز به سرمایه خارجی دارد. اما دولت سوریه دوستان بسیار محدودی در جهان دارد.

در اکتبر سال ۲۰۱۷ میلادی، علی اکبر ولایتی، مشاور آیت الله خامنه ای در امور بین الملل در دیدار خود با حسین دیاب استاندار حلب در سوریه آمادگی حکومت اسلامی ایران برای بازسازی سوریه را اعلام کرد. او گفت: ایران چه در زمان جنگ و چه در دوران بازسازی در کنار ملت و دولت سوریه است.

قدری جمیل در گفت و گوی خود با فایننشیل تایمز در ژوئیه سال ۲۰۱۳ گفته است: در حالی که اقتصاد سوریه به دلیل جنگ داخلی طولانی مدت در این کشور و هم چنین تحریم های یک جانبه غرب دچار معضلات اساسی شده است، سه کشور ایران، روسیه و چین به کمک سوریه شتافته اند و ماهیانه نزدیک به پانصد میلیون دلار از طریق فروش نفت و دیگر خطوط اعتباری به سوریه کمک می کنند. قدری جمیل در همان حال بر وجود خط اعتباری نامحدودی از سوی ایران برای واردات نفت، کالای اساسی و مواد غذایی به سوریه تاکید کرده است. او گفته که این کمک ها اقتصاد در هم شکسته سوریه را سر پا نگه داشته است.

شایان ذکر است که قدری جمیل از ۷ ژوئن ۲۰۱۲ به عنوان وزیر تجارت داخلی و حمایت از مصرف کننده به کابینه سوریه راه یافت. این وزارت، جایگزین «وزارت اقتصاد و تجارت» در سوریه شد. قدری جمیل، هم چنین سمت معاون نخست وزیر سوریه در امور اقتصادی را تا اکتبر سال ۲۰۱۳ میلادی در سوریه به عهده داشته است. او یکی از اعضای شاخص منتقدان داخلی حکومت سوریه و از مقامات نزدیک به مسکو است.

وزارت راه و شهرسازی حکومت اسلامی از تفاهم ایران و سوریه برای ساخت بیش از ۳۰ هزار واحد مسکونی در این کشور جنگ زده خبر داد. به گفته یک مقام این وزارتخانه، سه شرکت دولتی ایران و سوریه برای «بسترسازی» این طرح اقدام می کنند.

محمود محمودزاده، معاون وزیر راه و شهرسازی ایران، از تفاهم تهران و دمشق برای ساخت بیش از ۳۰ هزار واحد مسکونی در سوریه خبر داد. این مقام وزارت راه و شهرسازی ایران روز یکشنبه ۱۳ بهمن - دوم فوریه؛ بدون اشاره به جزئیات این طرح، مدعی شد که «هیچ سرمایه گذاری از سوی دولت ایران» در آن صورت نگرفته و طرح مزبور به گفته او «فقط بازار کاری برای بخش خصوصی خواهد بود.»

به گفته محمودزاده، طرح ساخت ۳۰ هزار واحد مسکونی در سوریه در چارچوب تفاهم نامه ای که میان وزیر راه و شهرسازی ایران و وزیر مسکن سوریه «در هفته های گذشته» به امضا رسیده، اجرا خواهد شد.

معاون وزیر راه و شهرسازی حکومت اسلامی ایران، هم چنین افزود که بر پایه تفاهم نامه مزبور «مقرر شده سه شرکت دولتی بین دو کشور برای بسترسازی حضور انبوه سازان و افراد واجد شرایط در حوزه های ساختمان، زیربنایی و حمل و نقل، جاده، راه و غیره، هم چنین حوزه مهندسان مشاور و مطالعات اقدام کنند.»

این مقام وزارت راه ایران در مورد میزان استقبال بخش خصوصی از این طرح، به ویژه با توجه به ناامنی سوریه، توضیحی نداده و روشن هم نکرده که آیا «بخش خصوصی» مورد نظر او شامل شرکت های مرتبط با سپاه پاسداران است یا سرمایه گذاران و شرکت های مستقل نیز حاضر به شرکت در چنین طرحی در یک کشور جنگ زده هستند. دوم بهمن ماه گذشته نیز سخنان وزیر آموزش و پرورش ایران، در خصوص آمادگی جمهوری اسلامی برای کمک به بازسازی مدارس سوریه خبرساز شد و به ویژه در شبکه های اجتماعی جنجال آفرید.

اما احداث واحدهای مسکونی حکومت اسلامی ایران در سوریه، به دلیل مشکلات بانکی و تبادلات مالی در عمل امکان پذیر نیست چون که با اعمال تحریم های بانکی امریکا بخش خصوصی ایران برای حضور در پروژه های سوریه نمی تواند مبادلات بانکی انجام دهد.

در حالی حکومت اسلامی ایران مدعی بازسازی مدارس سوریه است که بسیاری از مدارس ایران فرسوده شده اند. سال گذشته، یکی از نمایندگان شهر تهران اعلام کرده بود تعداد مدارس فرسوده اتفاقاً در شهرهای بزرگ کشور مانند تهران بیش تر از سایر شهرها حتی شهرهای محروم ایران است.

داود محمدی، رئیس کمیته بودجه و نظارت مالی شورای شهر تهران، اعلام کرده بود که حدود ۳۳ درصد از مدارس کل کشور احتیاج به بازسازی و تجهیز دارند و دولت باید این آمار را جدی بگیرد، همه ما در عبور از برخی معابر شهر تهران با کاشی کاری که حکایت از «ایجاد ساختمان از محل صدی پنج سهم فرهنگ از درآمدهای شهرداری تهران» دارد مواجه می شویم، کاشی کاری که غالباً بر بنای قدیمی مدارس مناطق جنوبی، مرکزی و بعضاً شمالی مشاهده می کنیم که نشان از نقش آفرینی مسوولانه شهرداری در توسعه و فراهم کردن زیرساخت های آموزشی در دهه های گذشته دارد.

رئیس کمیته بودجه و نظارت مالی شورای شهر تهران، با تاکید بر اعتبارات سال ۹۷ بیان کرد: بررسی گزارش ابلاغ، تعهد و هزینه اعتبارات سال ۱۳۹۷ تا اول شهریور ماه نشان گر آن است که متأسفانه تنها در ۶ منطقه از ۲۲ منطقه شهر تهران ما شاهد عملکرد و هزینه بخشی از اعتبارات مصوب «کمک به توسعه و تجهیز مدارس» هستیم و در ۵ منطقه نیز هیچ تعهد هزینه ای در اجرای این ردیف بودجه صورت پذیرفته است. عضو شورای شهر تهران اضافه کرد: بر همین اساس به عنوان نماینده مردم تهران در اجرای بند ۳ ماده ۷۱ قانون شوراهای اسلامی کشور، درباره «لزوم تحقق کمک به توسعه و تجهیز مدارس مناطق برابر بودجه مصوب سال ۱۳۹۷ و مشارکت فعال مناطق در آماده سازی مدارس برای آغاز سال تحصیلی» به شهرداری تهران تذکر می دهم، امیدوارم با اقدام به موقع، مؤثر و اهتمام افشانی، شهردار تهران شاهد توجه بیش از پیش به مدارس به عنوان کانون های توسعه مشارکت شهروندان باشیم.

همه کشورهای ثروتمند غربی، و متحدان شان در حوزه خلیج فارس، مخالف بشار اسد هستند و تمایلی برای کمک به حکومت او دیده نمی شود. از میان متحدان سوریه هم، تنها روسیه و ایران باقی می مانند که هیچ کدام توان سرمایه گذاری هنگفت در کشوری خارجی را ندارد و هر دو کشور در حال کلنجار رفتن با مشکلات اقتصادی خود هستند.

تنها چین باقی می ماند که گرچه متحد بشار اسد شناخته نمی شود، اما منابع مالی لازم برای بازسازی سوریه را دارد. هر چند سرمایه گذاری های خارجی پکن در سال های اخیر نشان داده که این کشور، تمایل چندانی برای ورود به مناطق پرخطر با بازگشت سرمایه محدود یا مشکوک ندارد.

کشتار کودکان سوری

دو روز قبل از به هلاکت رسیدن فرمانده سابق سپاه قدس، قاسم سلیمانی، مدرسه ای در شمال غرب سوریه توسط نیروهای دولتی تحت حمایت سپاه قدس حکومت اسلامی ایران، مورد حمله قرار گرفت و حداقل ۵ کودک جان باختند. این واقعه زمانی رخ داد که قاسم سلیمانی در سوریه بود. با کشته شدن فرمانده سپاه قدس، به عنوان حامی اصلی دولت بشار اسد در سوریه و جنگ های نیابتی در افغانستان، عراق و هم چنین نیروئی که تاکنون صدها تن از فعالین سیاسی مخالف حکومت اسلامی را در کشورهای منطقه و جهان ترور کرده است؛ این سوال مطرح است که مرگ یک فرمانده ارشد تروریسم دولتی و ناقض حقوق بشر و کودکان چه تاثیری بر رفتار نیروهای تحت امر و حکومت مورد حمایت آن نیروها در سوریه در برابر کودکان خواهد گذاشت؟



سلیمانی با مجتبی خامنه ای و نیروهای قدس در سوریه

اواخر سال میلادی ۲۰۱۹ یک نهاد حقوق بشری در سوریه با اشاره به کشته شدن بیش از ۲۷ هزار کودک در طول بیش از ۸ سال جنگ در این کشور، عامل مرگ بیش از ۲۲ هزار کودک را نیروهای حکومت بشار اسد معرفی کرد. طبق این گزارش بیش تر از ۲۰۰۰ کودک هم توسط حملات هوایی نیروهای روسیه کشته شدند. هم چنین نیروهای مخالف دولت اسد، نیروهای امریکائی و داعش هر کدام مسؤولیت مرگ حدود ۱۰۰۰ کودک را برعهده داشته اند. موسسه حفاظت از کودکان در گزارشی که آوریل ۲۰۱۹ منتشر شد اعلام کرد که تنها در سه ماه نخست سال پیش بیش تر از کل سال ۲۰۱۸، که پیش از آن مرگبارترین سال برای کودکان سوری قلمداد شده بود، کودک در این کشور کشته شده است.

کمیسیون سازمان ملل متحد نیز روز پنج شنبه ۲۶ دی ماه ۱۳۹۸- ۱۶ ژانویه ۲۰۲۰ در گزارش جدید خود اعلام کرد که از سال ۲۰۱۱ تخلفات مختلفی علیه کودکان سوری انجام شده است.

به گزارش خبرگزاری المان، در گزارش این کمیسیون به مواردی از جمله استفاده از کودکان در عملیات انتحاری و بمب گذاری، به کارگیری کودک سرباز برای جنگ و تجاوز به آن ها اشاره شده است.

کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل، برآورد می کنند ۲.۶ میلیون کودک در داخل سوریه آواره شده و ۲.۵ میلیون کودک نیز از این کشور گریخته اند.

در این گزارش، با اشاره به این که تاکنون بیش از ۲.۱ میلیون دختر و پسر در سوریه از ادامه تحصیل مستمر محروم شده اند، آمده که ده ها هزار نفر نیز طی سال های اخیر فرصت آموزش را از دست داده اند.

مدارس در سوریه به دفعات مورد هدف نیروهای حامی و طرفدار دولت سوریه قرار می گیرند. برخی فعالان مدنی گزارش کرده اند که اول ژانویه ۲۰۲۰، بر اثر حمله موشکی نیروهای دولتی سوریه به یک مدرسه در شهر ادلب، دست کم هشت غیرنظامی کشته شدند.

دفتر امور هماهنگی بشردوستانه سازمان ملل (OCHA) اعلام کرد که حدود ۳۵۰ هزار نفر که ۸۰ درصد آن ها زنان و کودکان هستند، از اوایل دسامبر ۲۰۱۹ از حومه شهر ادلب، به عنوان آخرین سنگر دفاعی در جنگ سوریه آواره شده و در مناطق مرزی در نزدیکی ترکیه پناه گرفته اند.

طبق گزارشات سازمان های بین المللی، سپاه قدس نقش مستقیمی در حمایت از حملات مرگ بار و کشتار کودکان توسط حکومت سوریه دارد. قاسم سلیمانی در طول جنگ داخلی سوریه، فرماندهی این نیرو را بر عهده داشت.

به همین دلیل و براساس قوانین و کنوانسیون های بین المللی در رابطه با حقوق بشر و شرایط جنگی، می توان قاسم سلیمانی و حکومت اسلامی ایران را به عنوان یکی از متهمان اصلی جنایت جنگی و نقض آشکار و روزانه حقوق کودکان در این کشور معرفی کرد که بدون رسیدگی به این اتهامات کشته شد.

تیرگی روابط روسیه و ترکیه

رسانه های دولتی سوریه روز جمعه ۱۸ بهمن، با اعلام این خبر گفتند که ارتش کار پاک سازی شهر سراقب از مین ها و تله های انفجاری کار گذاشته شده در خیابان ها را آغاز کرده است. تلویزیون دولتی سوریه نیز در این روز تصاویری از نیروهای ارتش با تجهیزات نظامی در سراقب و نیز اجسادی که روی زمین افتاده بودند پخش کرد.

سربازان نیروی زمینی ارتش سوریه پس از چند روز نبرد، شهر سراقب را با پشتیبانی هوایی ارتش روسیه به تصرف خود در آوردند. بر اثر شدت درگیری ها طی روزهای اخیر صدها هزار نفر از شهروندان سراقب و روستاها و شهرهای اطراف مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده اند.

سازمان غیر دولتی دیدبان حقوق بشر سوریه نیز با اعلام خبر تصرف سراقب نوشت که از زمان آغاز جنگ داخلی در سوریه در سال ۲۰۱۱ میلادی تاکنون این نخستین بار است که نیروهای ارتش بشار اسد وارد شهر سراقب می شوند. سراقب در محل تلاقی دو محور بزرگراهی کلیدی در شمال غرب سوریه قرار دارد. یکی از این دو بزرگراه کلیدی یعنی ام ۵ حلب، دومین شهر بزرگ سوریه و یکی از مراکز اقتصادی این کشور را به دمشق، پایتخت متصل می کند و دیگری یعنی ام ۴ حلب را به شهر ساحلی لاذقیه پیوند می دهد. پیش از این شهر معرة النعمان در این استان نیز به دست نیروهای دولتی افتاده بود.

استان ادلب با سه میلیون نفر جمعیت، آخرین سنگر گروه های جهادی و مخالفان مسلح سوری به شمار می رود. نبردها در مناطق غربی حلب از اواسط ژانویه تاکنون به شدت افزایش یافته به نحوی که از پایان سال ۲۰۱۶ میلادی تاکنون هیچ گاه درگیری و نبردهای نظامی در این منطقه تا به این حد شدید نبوده است. ارتش سوریه با کمک گرفتن از متحدان خود از جمله روسیه و ایران و با پیروزی های نظامی متوالی بر ضد شورشیان و گروه های جهادی اینک بیش از ۷۰ درصد از خاک این کشور را تحت کنترل خود دارد. جنگ داخلی سوریه که از مارس ۲۰۱۱ میلادی با سرکوب تظاهرات آزادی خواهان آغاز و سپس با ظهور و به میدان آمدن گروه های جهادی وارد مرحله تازه ای شد، تاکنون بیش از ۳۸۰ هزار کشته و میلیون ها آواره برجای گذاشته است.

رجب طیب اردوخان، رئیس جمهوری ترکیه که به غایت افکار عثمانی گری و اشغال گری و توسعه طلبی و جنگ طلبی دارد روز چهارشنبه از دمشق خواست که نیروهایش را از شمال غرب سوریه عقب بکشد. اردوخان این درخواست را به دلیل درگیری های اخیر بین نیروهای سوریه و ارتش ترکیه مطرح کرد؛ درگیری هایی که باعث تنش بین ترکیه و روسیه نیز شده است.

اردوخان در حالی ایراد شد که پیش از آن سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه اعلام کرده بود که ترکیه در جدا کردن «اپوزیسیون مسلح» دولت دمشق از «تروریست ها» در ادلب سوریه، شکست خورده است.

وزیر خارجه روسیه گفت: «آنکارا تا حدی مقصر تشدید درگیری ها در ادلب سوریه است زیرا بخشی از تعهداتش را انجام نداده است.» او افزود: «اول از همه وظیفه آن ها این است که اپوزیسیون مسلحی که با ترکیه همکاری می کند و آماده حضور در گفتگوهای سیاسی با دولت سوریه است را از تروریست های گروه جبهه النصره که به گروه هیات تحریرشام تغییر نام داده اند، جدا کنند.»



لاوروف، هم چنین از ترکیه خواست به توافق های موجود در ارتباط با ادلب سوریه پایبند باشد؛ منطقه ای که در روزهای اخیر شاهد درگیری شدید بین نیروهای دولتی سوریه و شبه نظامیان مورد حمایت ترکیه بوده است.

در جریان این درگیری ها ارتش ترکیه با گلوله باران منطقه ای در استان ادلب باعث کشته شدن ۴ سرباز ترکیه و زخمی شدن دست کم ۹ سرباز دیگر شد.

ارتش سوریه می گوید هدفش از این حملات، ستیزه جویان ضد دولتی و تروریست های وابسته به القاعده است اما به نظر می رسد اکنون با کشته شدن تعدادی از سربازان ترکیه، خطر آن وجود دارد که جنگ در این منطقه از سوریه به درگیری مستقیم نیروهای دولتی با نیروهای ترکیه بینجامد.

حکومت سوریه، با حمایت حملات هوایی هواپیماهای روسیه در حال پیشروی در منطقه ادلب است و به پست های دیده بانی ترکیه در شمال غرب سوریه نزدیک شده است.

ادرغان، روز چهارشنبه گفت: «دو تا از ۱۲ پست دیده بانی ما در پشت خط نیروهای حکومت سوریه هستند و امیدواریم که نیروهای دمشق قبل از پایان ماه فوریه به پشت پست های دیده بانی ما برگردند. اگر حکومت عقب نشینی نکند، ترکیه مجبور خواهد شد دست به اقدام بزند.»

پست های دیده بانی ترکیه که اردوخان از آن ها صحبت می کند، در منطقه «مورک» و «سرمین» در جنوب شرق شهر ادلب واقع شده اند.

اکنون رابطه روسیه و ترکیه تیره شده است. مسکو، هم چنین نگران انتقال شبه نظامیان منطقه ادلب سوریه از جمله گروه های تروریستی توسط ترکیه به لیبی است.

خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از دو منبع شبه نظامی در لیبی نوشت که ترکیه تعدادی از نیروهای افراط گرای وابسته به گروه هائی هم چون القاعده و داعش را برای کمک به دولت تحت حمایت سازمان ملل که طرابلس را در کنترل دارد، از سوریه به لیبی منتقل کرده است.

این رهبران شبه نظامی به آسوشیتدپرس گفته اند که ترکیه بیش از ۴ هزار جنگ جوی خارجی را به طرابلس فرستاده است.

در جنگ داخلی لیبی، کشورهای مختلفی از دو طرف این جنگ حمایت می‌کنند. قطر، ایتالیا و ترکیه از دولت فائز سراج که از سوی سازمان ملل به عنوان دولت مشروع لیبی شناخته می‌شود، حمایت می‌کنند و در مقابل، امارات متحده عربی، مصر، فرانسه و روسیه نیز پشتیبان ژنرال خلیفه حفتر که مناطق نفت خیز شرق لیبی را در کنترل خود دارد، هستند.

لیبی نهمین ذخایر شناخته شده نفت جهان را در اختیار دارد و به نظر می‌رسد که بسیاری از کشورهایی که از دو طرف درگیری های این کشور حمایت می‌کنند در پی افزایش نفوذشان برای کنترل منابع نفتی لیبی هستند.

سایت «مدافعان حرم»: بسیاری از ما مجبور به ورود به جریان آبان ماه شدیم

وب سایت «صدای مدافعان» که نیروهای موسوم به «مدافعان حرم» را پوشش می‌دهد نوشته است که «بسیاری» از نیروهای این گروه هم در سرکوب اعتراضات آبان ماه در شهرهای ایران شرکت کرده اند. سپاه پاسداران هزاران جنگ‌جو از پاکستان، افغانستان، لبنان، عراق و ایران را در پنج سال گذشته برای حفظ حکومت بشار اسد با خود به سوریه برد، و بر آنان نام «مدافعان حرم» نهاد.

در متنی که در وب سایت «صدای مدافعان» منتشر شده و لحنی گلایه آمیز از مسؤولان دارد آمده است: «می بینیم که دولتی‌ها باز هم مدافعان حرم را به صف اول مبارزه با مردم کشور خود می‌فرستند و خود هیچ مسؤولیتی نمی‌پذیرند.»

این متن ادامه می‌دهد: «همان‌طور که در آبان‌ماه شاهد بودیم، اعتراض‌های معیشتی به خشونت کشیده شد و بسیاری از بچه‌های مدافع حرم مجبور به ورود کردن به جریان شدند. در میان متأسفانه برخی از این عزیزان مانند مرتضی ابراهیمی به شهادت رسیدند. در این جریان شاهد بودیم که باز هم مدافعان قربانی شدند و دولتی‌ها هیچ مسؤولیتی نپذیرفتند.»

در جریان اعتراضات آبان، خبرگزاری ایسنا به نقل از سپاه سیدالشهدا استان تهران نوشته بود که مرتضی ابراهیمی، فرمانده گردان امام حسین، در شهرستان ملارد کشته شده است.

این متن، از «بی‌مهری» مسؤولان به «مدافعان حرم»، محرومیت خانواده‌های کشته‌شدگان این گروه «از خدمات بنیاد و مشکلات حقوق و مزایا و بی‌حرمتی مسؤولین نسبت به مدافعان حرم» و «سوء مدیریت‌ها و بی‌تدبیری‌های دولت» شکایت کرده است.

در ادامه این یادداشت آمده است که «نباید اجازه داد که مسؤولین با فرافکنی، از زیر بار مسؤولیت‌شان خالی کنند و سربازان خط مقدم اسلام را قربانی نمایند. این موضوع را در جریان ناآرامی‌های آبان ماه و شهادت عزیزانی هم‌چون مرتضی ابراهیمی شاهد بودیم و نباید بگذاریم که این روش، در جریان تحقیق و تفحص سقوط هواپیمای اوکراینی تکرار شود.»

اعتراضات آبان ماه که با سرکوب شدید روبه‌رو شد و به نوشته خبرگزاری رویترز ۱۵۰۰ کشته داد، پس از افزایش شدید بنزین در ایران آغاز شد و در شعارها، رنگ و بوی سیاسی ضد حکومتی به خود گرفت.

هزینه‌های آمادگی جنگی

کشورهای ایران، عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی با هدف افزایش نفوذ در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس در فاصله سال های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۸ بخش بزرگی از درآمد ناخالص داخلی خود را به هزینه های نظامی اختصاص داده اند.

در این میان عربستان سعودی، با ۶۷/۶ میلیارد دلار در میان کشورهایی که بیشترین هزینه دفاعی دارند در رده سوم قرار دارد.

بر اساس گزارش موسسه تحقیقات بین المللی صلح در استکهلم، عربستان سعودی و امارات متحده عربی که در یمن نیروی نظامی دارند، به قطر و امارات که در جنگ داخلی لیبی وارد شده اند و ایران که در سوریه از حکومت حمایت نظامی می کند و هم چنین چندین نیروی غیردولتی دیگر در خاورمیانه و شمال آفریقا اسلحه می دهد.

این گزارش، هم چنین اعلام کرده است که کشورهای عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی به ویژه در ۱۵ سال گذشته علاوه بر افزایش انبار تسلیحات خود، بخش اعظم درآمد ناخالص داخلی را به هزینه های نظامی اختصاص داده اند.

از سوی دیگر، این گزارش با اشاره به این که قطر و امارات متحده عربی داده های مربوط به هزینه های نظامی را صریحا اعلام نمی کنند خاطر نشان کرده است که در خصوص هزینه های نظامی ایران و عربستان سعودی برخی سوالات وجود دارد.

بر اساس داده های موسسه تحقیقات بین المللی صلح در استکهلم، ایران در فاصله سال های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۸ بیشترین هزینه دفاعی را در سال ۲۰۰۶ اختصاص داده است. کاهش ناگهانی میزان هزینه های نظامی ایران در سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ پس از تحریم اقتصادی و مالی اتحادیه اروپا آغاز شد.

پس از لغو بخشی از تحریم های ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵ علیه ایران، بهبود وضعیت اقتصادی در بخش هزینه های نظامی نیز دیده شد. در فاصله سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ هزینه های نظامی ایران ۲۵ درصد افزایش یافت.

اما در سال ۲۰۱۸ به دنبال پیدایش مشکلات اقتصادی جدید نسبت به سال پیش از آن این هزینه ها ۹/۵ درصد کاهش یافته و به ۱۳/۲ میلیارد دلار رسید. علت عمده کاهش ترانسفر اسلحه ایران در فاصله سال های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۸ تحریم های بین المللی و مشکلات اقتصادی است.

ایران که توان تولید و توسعه موشک های بالیستیک، کروز و پهپادها را دارد در دوره ۲۰۱۸-۲۰۱۴ تقریباً ۹۶ درصد ترانسفر اسلحه را از روسیه انجام داده و مابقی را از چین تأمین کرده است.

در این راستا، سیستم پدافند هوایی S-۳۰۰ که در سال ۲۰۱۶ از روسیه تحویل گرفت نخستین هزینه نظامی قابل توجه ایران پس از سال ۲۰۰۷ است. ایران که ۲/۵ درصد درآمد ناخالص داخلی را به هزینه های نظامی اختصاص داده است در رده بیست و پنجم کشورهایی که بیشترین هزینه نظامی را دارند قرار گرفته است.

عربستان سعودی در سال ۲۰۱۸ میلادی ۶۷/۶ میلیارد دلار برای امور نظامی هزینه کرده است. بدین ترتیب عربستان سعودی در جایگاه سومین کشور جهان در زمینه هزینه های نظامی و اولین کشور در منطقه خاورمیانه است.

بودجه نظامی این کشور در بین سال های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ میلادی ۵۷ درصد و در بین سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ میلادی ۷۶ درصد و در بین سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ نیز ۶۳ درصد افزایش یافته است.

کاهش قیمت نفت در بازار جهانی در سال ۲۰۱۴ باعث کاهش بودجه نظامی در عربستان سعودی شد. بودجه نظامی ریاض در بین سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ میلادی ۲۸ درصد کاهش داشت.

یکی از بارزترین نشانه های اهمیت دادن عربستان سعودی به هزینه های نظامی، تخصیص ۸/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۸ است.

بودجه نظامی و تسلیحاتی عربستان سعودی در بین سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ میلادی ۱۹۲ درصد افزایش داشت. این کشور در بین سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ بیشترین انتقال اسلحه را انجام داد.

بیشترین انتقال سلاح عربستان سعودی از انگلستان و امریکا انجام گرفت. علاوه بر این چین و روسیه نیز در سال های اخیر به این کشور سلاح فروختند.

هزینه های نظامی قطر نیز از سال ۲۰۱۰ افزایش چشم گیری داشت. قطر در بحران لیبی و سوریه نقش فعال تری پیدا کرد و تغییر آرایش سیاسی این کشور باعث افزایش هزینه های نظامی شد.

موسسه بین المللی پژوهش های صلح استکهلم در گزارشی، اعلام کرد که میزان هزینه های نظامی قطر دقیقاً مشخص نیست و انتقال سلاح این کشور طی ۵ سال اخیر افزایش چشم گیری داشته است. بر اساس این گزارش، قطر در بین سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ میلادی ۵۰ میلیارد دلار هزینه نظامی انجام داده است. قطر بیش تر انتقال سلاح را از المان و امریکا انجام داده است.

اصلی ترین دلیل افزایش هزینه های نظامی امارات متحده عربی، عملیات نظامی در خارج از کشور و خرید سلاح است.

امارات متحده عربی در درگیری های لیبی و یمن دخالت کرده و از سال ۲۰۰۰ در زمینه سلاح های مدرن سرمایه گذاری بیش تری انجام داده است.

بر اساس گزارش موسسه بین المللی پژوهش های صلح استکهلم، امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۴ میلادی با هزینه ۲۲/۸ میلیارد دلار در امور نظامی در رتبه دوم خاورمیانه و چهاردهمین در جهان قرار گرفت.

آیا آن طور که سران سیاسی و نظامی حکومت اسلامی ادعا می کنند بر پایتخت های چهار کشور عرب همسایه تسلط دارند؟

در بیروت، حزب الله یک جریان مزدور خارجی شناخته شده و جز آنانی که از پول ایران تغذیه می کنند (سخنان حسن نصرالله را به یاد داشته باشیم که گفت حتی نان و آب حزب الله و همه اسلحه آن توسط جمهوری اسلامی ایران تأمین می شود) هیچ گونه پایگاه مردمی ندارد.

در دمشق، حکومت اسلامی ایران قبل از آغاز جنگ داخلی و هنگامی که تحت تأثیر بهار عربی اعتراض های مردمی راه افتاده بود و هنوز داعش به وجود نیامده بود در سرکوب مردم معترض شرکت داشت و اکنون هشت سال است که در کنار بشار اسد می جنگد و قربانی می دهد و هزینه های کلان مالی را تحمل می کند. اکنون کشور سوریه ویران شده و از جمعیت ۲۳ میلیون آن، نصف اش در داخل و خارج کشور آواره شده اند، حدود نیم میلیون نفر کشته شده و چندین برابر آن نیز مصدوم شده اند. سپاه پاسداران و حزب الله لبنان قربانیان زیاد متحمل شده اند و احتمال بسیار می رود که وقتی سوریه آرام بگیرد، سر ایران بی کلاه خواهد ماند. در سال های اخیر، اسرائیل نیز همواره پایگاه های نیروهای وابسته به حکومت اسلامی را بمباران کرده است و سران سیاسی و نظامی حکومتی اسلامی، فقط شعار نابودی اسرائیل را می دهند و عملاً توان جواب گوئی به این حملات اسرائیل را ندارند.

در عراق نیز، حکومت اسلامی ایران با وجود حضور گسترده سپاه پاسداران و نیروهای وابسته به آن، موفقیت های جنگی بسیار ناچیزی داشته است. حکومت اسلامی ایران، قصد داشت مقتدی صدر را نیز تحت تسلط خود بگیرد که

نتوانست و سپاه صدر هم که با هزینه کلان توسط حکومت اسلامی ایران (زیر پرچم المجلس اعلا للثورة الاسلامية) برپا شده بود تقریباً وجود خارجی ندارد و حکومت اسلامی ایران، ناچار شده «الحشد الشعبی» را به جای آن برپا کند. ماه هاست که مردم عراق در اعتراض و اعتصاب به سر می‌برند و خواهان پایان دادن به فرقه‌گرایی در حاکمیت عراق و خروج حکومت اسلامی ایران و نیروهای وابسته به آن، از کشورشان هستند. آن‌ها بارها به کنسول‌گری‌های حکومت اسلامی ایران در بصره و کربلا حمله کرده و تصاویر خامنه‌ای، سلیمانی و خمینی را به آتش کشیده‌اند. در یمن نیز حوثی‌ها، هم‌چنان در جا می‌زنند و حتی شماری از مواضع سابق خویش را از دست داده‌اند و معلوم نیست مصیبت مردم آن سرزمین، چه هنگام پایان خواهد گرفت و در آن‌جا برای حکومت اسلامی ایران چه نفوذی باقی خواهد ماند.

در ماه‌های اخیر، حکومت اسلامی ایران در یک کارزار تبلیغاتی و روانی پیگیر، گزارش‌ها و تصاویری منتشر ساخته و ادعا کرده بود که قاسم سلیمانی مرتباً بین کشورهای منطقه در رفت و آمد است و جنگ‌ها را پیروزمندانه اداره می‌کند. در حالی که چنین تبلیغاتی پوچ و بی‌معنی بود. حتی گفته می‌شود بسیاری از عکس‌های منتشر شده از او نیز، فتومونتاز بوده است.

حکومت اسلامی ایران با ۴۱ سال تلاش بی‌وقفه برای صدور پان‌اسلامیسم و دست‌کم تشکیل هلال شیعی، و با وجود هزینه‌کردن مبالغی که ممکن است حتی از یک صد میلیارد دلار بیش‌تر باشد، در رسیدن به اهدافی که فرماندهان سپاه پاسداران ادعای آن را می‌کنند، شکست خورده است.

زمانی که در اواخر سال ۲۰۱۴ جنگ در یمن شروع شد، دخالت حکومت اسلامی ایران در آن‌جا اندک بود. اما پس از آن که عربستان در مارس ۲۰۱۵ در قالب ائتلافی با هدف خارج کردن شورشیان حوثی از مناطقی که تصرف کرده بود، وارد این جنگ شد، حکومت اسلامی ایران هم به حمایت از حوثی‌ها برخاست.

در گزارش موسسه مطالعات بین‌المللی استراتژیک، آمده که این حمایت شامل تأمین تسلیحات پیشرفته به عنوان هدف ایران برای «زمین‌گیر کردن» رقیب عربستان سعودی با هزینه کم و در عین حال فراهم کردن زمینه حضور رو به جلوی ایران در منطقه استراتژیک (دریای سرخ) باب‌المندب است.

جنگ یمن مطمئناً، ائتلاف عربی به رهبری سعودی‌ها را زمین‌گیر کرده و تاکنون میلیاردها دلار برای آن‌ها هزینه کرده‌اند و باعث شلیک بیش از ۲۰۰ موشک و پهپاد در امتداد مرز این کشور با یمن شده است.

وزارت خارجه عربستان گفته است: «ایرانی‌ها موشک‌های بالستیک در اختیار سازمان‌های تروریستی نظیر حزب الله و حوثی‌ها قرار می‌دهند که این به معنای نقض قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل است.»

با این حال، تاکنون این جنگ فاجعه‌آمیز نه تنها برنده‌ای نداشته است، بلکه بازنده اصلی نیز مردم یمن است. هم عربستان و هم امارات به عنوان متحد این کشور، معتقدند که دست‌آورد اصلی آن‌ها در یمن جلوگیری ایران از دست‌یابی به جای پای ثابتی در حیاط خلوت آن‌هاست.



چشم انداز چه خواهد شد؟

با نگاه به تاریخچه جنگ های امریکا طی چند سال اخیر، می توان به این نتیجه رسید که امریکا عموماً در جنگ هائی شرکت کرده است که طرف مقابل تا حد زیادی ضعیف شده است. حمله به عراق در زمان صدام، که اشغال این کشور را در پی داشت، در زمانی رخ داد که عملاً ارتش صدام نتوانست حتی یک حمله موثر بر علیه نیروهای امریکائی داشته باشد. حمله به افغانستان و لیبی نیز زمانی انجام شد که این کشورها به شدت تحت فشار قرار داشتند. از این رو، فعلاً امریکا سعی می کند از طریق تحریم اقتصادی و فشارهای بین المللی و منطقه حکومت اسلامی را هر چه بیش تر تضعیف و منزوی کند که در چنین شرایطی، احتمال حمله به ایران وجود خواهد داشت اما اکنون چنین احتمالی ضعیف است. حضور نظامی نیروهای طرفدار حکومت اسلامی ایران یا همان «هلال شیعی» در کشورهای منطقه نیز یک فاکتور مهم و قدرت بازدارندگی حمله به ایران را ایفا می کند.

در کنار هزینه های زیاد جنگ، امریکا به دلیل استقلال کامل در زمینه انرژی، نیاز چندانی به نفت و سوخت های فسیلی منطقه ندارد. بنابراین، انگیزه نفت نیز چندان برای امریکا بازدارنده نیست. در چنین شرایطی، به احتمال زیاد ایران در چنین جنگی، لطمات جبران ناپذیری خواهد خورد و بسیاری از زیرساخت های ساخته شده و یا فرسوده شده در طول ۴۱ سال گذشته می تواند تحت حملات گسترده نیروهای امریکائی قرار گیرد.

احتمالاً جنگ طولانی مدت هر دو کشور و به تبع آن کشورهای منطقه را درگیر یک جنگ بزرگی در ابعاد خاورمیانه کند.

هر چند که از خامنه ای رهبر حکومت اسلامی تا بسیاری از فرماندهان سپاه پاسداران در سخنرانی های آتشین خود ادعا دارند که حکومت اسلامی ایران به یک ابرقدرت منطقه ای مبدل شده و سرنوشت خاورمیانه را آن گونه که می خواهد دیکته می کند و راه را برای برقراری حکومت اسلامی جهانی، هموار می سازد. فرماندهان سپاه، گاهی به صورت صریح و زمانی در لفافه، می گویند که هم اکنون حکومت اسلامی در پایتخت های چهار کشور منطقه تسلط دارد و به زودی دیگر نقاط این منطقه را نیز در راستای برپائی حکومت «الهی» در اختیار خواهد گرفت.

اشاره آن ها به بیروت پایتخت لبنان، دمشق پایتخت سوریه، صنعاً پایتخت یمن و بغداد پایتخت عراق است. هم زمان، آن ها به یک کارزار شدید سیاسی و تروریستی و تحریک کننده در منطقه ادامه می دهند تا شاید بتوانند حکومت بحرین را براندازند و خاندان آل سعود در ریاض را از کرسی قدرت پائین بکشند و اسرائیل را از نقشه روزگار محو سازند!

علی (عزیز) جعفری فرمانده سپاه پاسداران، چندی پیش گفته بود: «اکنون ما در مسیری قرار داریم که به برقراری حکومت اسلامی در سراسر جهان منتهی می شود.»

جعفری در فرصت دیگری، ادعا کرده بود: «هدف انقلاب اسلامی ایران ایجاد حکومت اسلامی فی الارض است.» به گفته او، «انقلاب جهانی اسلام اکنون در مرحله سوم عملی شدن خود قرار دارد و هدف نهائی احداث دولت اسلامی در سراسر جهان است.»

علی سعیدی یکی از نمایندگان آیت الله علی خامنه ای در سپاه پاسداران، چندی پیش در نطقی گفته است: «انقلاب اسلامی ما سرآغاز جهانی شدن اسلام است.»

اسماعیل کنعانی در سمت جایگزین فرمانده سپاه قدس، گفت: «تردیدی نیست که شهدای ما و عزیزانی مانند فاطمیون به هیچ چیز دیگری جز حاکمیت حضرت امام غایب بسنده نخواهند کرد.»

علی فدوی فرمانده نیروی دریائی سپاه، گفته است: «امروز ما نه در خانه خود می جنگیم، بلکه نبرد ما هزاران کیلومتر دورتر جریان دارد.»

این ها تنها جملاتی از قدرت نمائی های فرماندهان سپاه است که در سخنان امامان جمعه و روحانیون صاحب قدرت در کشور نیز به کرات شنیده شده است.

حتی برخی از تحلیل گران خارجی نیز که تحلیل های آنان در رسانه های ایران به وفور منتشر می شوند، حکومت اسلامی ایران را یک قدرت عظیم منطقه ای تصویر می کنند و این در صورتی ست که از دیدگاه تحلیل گران ایرانی و غیر ایرانی بی طرف و واقع گرای بین المللی، حکومت اسلامی ایران در اجرای هدف های اوایل انقلاب و پس از آن که توسط آیت الله خمینی مطرح شد و سران حکومت و فرماندهان سپاه آن را مرتباً تکرار می کنند، کاملاً شکست خورده است. به ویژه یک فاکتور مهم در تحولات هر کشوری پایگاه اجتماعی آن حکومت اسلامی است. اکنون حکومت اسلامی در نزد اکثریت مردم ایران و منفور است و باید سرنگون شود. این نظر یک ادعا نیست، بلکه کافی ست هر تحلیل گر و مفسری به ابعاد خیزش مردمی دی ماه ۱۳۹۶، آبان ماه ۹۸ و همین دی ماه و شعارهای معترضین نگاه کند بی گمان به این تجبیه می رسد که نه تنها حکومت اسلامی پایگاه اجتماعی سابق خود را از دست داده است، بلکه حتی ریزش در بدنه این حکومت نیز به ویژه فرار اطرافیان حکومتیان با سرمایه های خود به خارج کشور، به خصوص ترکیه اوج گرفته است.

حکومت اسلامی ایران، از روزی که شکل گرفت، تا امروز که ۴۱ سال از آن می گذرد، ده ها میلیارد دلار را صرف عملیات تخریبی در کشورهای منطقه کرده است. سازمان هائی چون حزب الله لبنان، حماس، جهاد اسلامی آزادی فلسطین، حشد الشعبی عراق و المجلس اعلا للثورة الاسلامیه فی العراق (که بعدها آن را سپاه بدر نام دادند) و حوثی ها در یمن، کمک به حکومت بشار اسد در سوریه و ده ها سازمان کوچک و بزرگ دیگر بودجه های کلانی هر سال از ایران گرفته و می گیرند.

اگر به این مبلغ نجومی، هزینه های نجومی تری چون تلاش برای دسترسی به تولید بمب هسته ای و هم چنین هزینه تولید انواع موشک ها و جنگ افزارهای دیگر را نیز اضافه کنیم، می بینیم که هر سال حدود نیمی از توان مالی و اقتصادی ایران صرف این بلند پروازی های جنگ طلبانه و تروریستی شده که نتیجه آن کارتن خواب ها، گورخواب ها، جنین فروشی، کلیه فروشی و غیره در داخل ایران بوده است.

جمع بندی

گرچه مخالفان دولت در سوریه شکست خورده اند و نیروهای وفادار به دولت، در سال ۲۰۱۹ و در سال جاری ۲۰۲۰، توانستند بسیاری از سرزمین ها را از مخالفان و شورشیان پاک کنند، اما به نظر نمی آید که این جنگ به زودی پایان یابد. احتمالاً رقابت ها بین نیروهای خارجی به خصوص ترکیه، روسیه، و ایران را افزایش خواهد داد.

آخرین نبرد ارتش سوریه برای کنترل آخرین سنگر مخالفان مسلح در ادلب؛ هزاران سوری می گریزند. با آغاز عملیات ارتش سوریه برای بازپس گیری آخرین سنگر مخالفان مسلح در استان ادلب که با حمایت نیروهای روسیه انجام می شود، هزاران نفر از این استان می گریزند.

اکنون درگیری های مستقیم نیز بین ارتش ترکیه و سوریه به وجود آمده است. احتمال دارد که روابط ترکیه و روسیه به سردی گراید. حکومت های ایران و روسیه از حکومت آدم کش بشار اسد و حکومت ترکیه از گروه های تروریستی مانند ارتش آزاد سوریه، جبهه النصره و هم چنین حمایت از داعش را نیز در کارنامه خود دارد.

با وجود توافق آتش بس در شهر بندری حدیده و مذاکرات بین احزاب متخاصم در سوئد، حل و فصل نهایی این جنگ چهار ساله هنوز به نظر دور از انتظار است. در واقع، موقعیت تضعیف شده حوثی ها پس از دست دادن قلمروی خود در دو سال گذشته و فشارهای زیادی که بر روی عربستان برای توقف جنگ آمده است، کار را برای مارتین گریفیتس، نماینده سازمان ملل ساده تر کرده بود که همه احزاب متخاصم را در سوئد گرد هم بیاورد. با این حال هر دو طرف، گمان می کنند که می توانند به لحاظ نظامی، پیروز شوند. حوثی ها گمان می کنند که سعودی ها در نهایت مجبورند تحت فشارهای بین المللی جنگ را متوقف کنند و تلاش های خود را در یمن نادیده بگیرند. ائتلاف به رهبری عربستان سعودی نیز از سوی دیگر گمان می کند که اتفاقات و پیش روی های اخیر بر روی زمین، خصوصا در بندر حدیده، در نهایت حوثی ها را مجبور به پذیرش شرایط آن ها برای پایان جنگ خواهد کرد.

به نظر می رسد که حکومت اسلامی ایران، دلش نمی خواهد به حل و فصل نهایی این موضوع کمی بکند. سران حکومت اسلامی ایران، به دنبال این است که سعودی ها در یمن گرفتار شوند تا دیگر منابع کافی نداشته باشند که فعالیت های خود را در جبهه های دیگر خاورمیانه ادامه دهند. حکومت اسلامی ایران، هم چنین می خواهد که از بحران یمن به عنوان یک اهرم فشار برای تحریم های امریکا و نجات دادن برجام پس از خروج ترامپ از این توافق نامه استفاده کند.

از سرگیری نزاع های ایران و امریکا در عراق می تواند به نفع مردم معترض عراق منجر شود. با این وجود، عراق ممکن است شاهد آشفته گی های امنیتی و سیاسی بیش تری در سال ۲۰۲۰ به واسطه تنش های میان ایران و امریکا باشد.

با وجود این که نزاع های خاورمیانه عمیق تر می شوند، همبستگی های سیاسی در منطقه، خطوط متناظر و رقابت های تشدید شده ای را ایجاد می کند. از زمان جنگ جهانی اول، تقسیمات سیاسی در خاورمیانه همواره منعکس کننده دیدگاه «نظم نوین جهانی» بوده است. در زمان جنگ سرد، خاورمیانه بین اردوگاه های شوروی و امریکا تقسیم شده بود.

امروزه این تقسیمات در حال عمیق تر شدن، چه به لحاظ ماهیت و چه به لحاظ تعداد هستند. یعنی در حالی که به جای داشتن دو اردوگاه، حالا اردوگاه های مختلفی وجود دارد از جمله محور «مقاومت» حکومت اسلامی ایران، عراق، سوریه و حزب الله که به میزان گسترده ای توسط روسیه و چین حمایت می شوند؛ محور عربستان سعودی، امارات، بحرین، مصر و اردن که از سوی اسرائیل حمایت می شوند؛ و محور تغییر شامل کشورهای قطر و ترکیه. این سه محور در وسط یک درگیری خشن برای تصمیم گیری در مورد آینده خاورمیانه گرفتار شده اند. البته در این میان نقش امریکا در خاورمیانه نه تنها نسبت به سابق کم نشده، بلکه تشدید هم شده است.

همه این مسائل، احتمالا در سال ۲۰۲۰ در صحنه سیاسی خاورمیانه روی خواهند داد و ما شاید پایان هیچ کدام از آن ها را نبینیم. در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ خاورمیانه یکی از بخش های ناپایدار جهان بود و احتمالا این وضعیت در سال ۲۰۲۰ هم به همان شکل، باقی نخواهد ماند.

اما تا آن جا که به تحولات داخل ایران برمی گردد اکثریت مردم ایران، از تاثیرات تحریم ها، البته پیش از آن از فساد سیستماتیک دولتی در رنج هستند. از لحاظ اقتصادی، وضعیت ایران فاجعه بار است. اما با این وجود، نیروی قدس سپاه

پاسداران شبکه ای از متحدان ایجاد کرده که هزینه زیادی دارد در حالی که از نظر استراتژیکی، این نیرو کاری از پیش نخواهد برد. به خصوص معترضین عراقی و لبنانی، همواره خواهان خروج نیروهای وابسته به ایران از جامعه شان هستند.

معیشت اکثریت ایرانیان با مشکل رو به رو شده است. در حدود ۴۰ درصد جمعیت فعال کشور، که اکثریت آنان را جوانان تشکیل می دهند، بیکار هستند و یا بعضا به کارهای کاذبی اشتغال دارند که نمی توان به معنی واقعی کلمه آن را اشتغال نامید. با این وجود، کمک های مالی حکومت اسلامی برای اداره این نیروها و کمک های نظامی و اقتصادی به حکومت سوریه، بخش عظیمی از منابع مالی ایران را می بلعد.

محمد امین، پژوهش گر بنیاد فرانسوی مطالعات برای خاورمیانه و یکی از نویسندگان کتاب «ایران به کجا می رود» در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه فرانسوی لاکروا در ۵ مه ۲۰۱۷، یعنی خیلی پیش از اعتراضات دی ماه ۹۶ ضد حکومتی مردم ایران در بیش از ۱۴۰ شهر، اعلام کرده بود: برای آن که یک پژوهش گر غربی آن چه در ایران می گذرد، بفهمد، باید عینک خود را عوض کند.

محمد امین می گوید تحقیقاتی که وی در یک گروه تحقیقاتی در باره اقتصاد ایران در بازه زمانی ۲۰۰۵ - ۲۰۱۵ انجام داده است، این واقعیت را نشان می دهد که در حدود ۶۰ درصد کل اقتصاد ایران در کنترل مستقیم و غیرمستقیم رهبر حکومت اسلامی است. او می گوید این کنترل، بخش های کلیدی اقتصاد ایران از جمله نفت و انرژی، بانک، صنایع خودر و دارویی گرفته تا بخش مسکن و مستغلات و توزیع را شامل می شود. این کنترل توسط ۱۵ نهاد و موسسه زیر نظر دفتر رهبری و نهادها و شرکت های دیگر وابسته به سپاه پاسداران و بسیج اعمال می شود.

این پژوهش گر بنیاد فرانسوی می گوید در سال ۲۰۱۷ میلادی ۷۰ درصد از درآمد ۳۷ میلیارد دلاری نفتی ایران برای مخارج نظامی، خصوصا در سوریه، عراق و یمن هزینه شده است.

محمد امین، می گوید: ادامه حیات حکومت کنونی در ایران به کنترل تقریبا کاملی بستگی دارد که حکومت بر اقتصاد کشور اعمال می کند. او می گوید: در نتیجه این کنترل گسترده، وضعیت اقتصادی ایران بسیار بد و ناگوار است. رکود بسیار شدیدی بر اقتصاد ملی سایه افکنده است. نرخ واقعی بیکاران از مرز ۴۰ درصد جمعیت فعال گذشته و نارضایتی های عمومی و معیشتی جنبه خطرناکی به خود گرفته است. این وضعیت بد اقتصادی می تواند منجر به یک انفجار اجتماعی و یک شورش فراگیر در ایران شود و پایه های حکومت حاکم بر ایران را فرو بریزد.

شنبه نوزدهم بهمن [دلو] ۱۳۹۸ - هشتم فبروری ۲۰۲۰